



دهقان، اکبر، ۱۳۴۴ -
یکم و چهارده نکته از قرآن کریم درباره‌ی
زکات/ اکبر دهقان؛ [مصحح معاونت تحقیق و تالیف
ستاد اقامه نماز] - تهران: ستاد اقامه نماز،
۱۳۸۲.

۱۱۲ ص؛ ۹/۵ x ۱۹ م.
۲۰۰۰ ریال: ISBN 964-7309-49-x

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا .
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. زکات -- جنبه‌های قرآنی. الف. ستاد اقامه
نماز. معاونت تحقیق و تالیف. ب. ستاد اقامه نماز.
ج. عنوان.

۲۹۷/۱۵۹

BP۱۰۴/۷۶۵۹

۸۲-۱۰۵۳

کتابخانه ملی ایران



ستاد اقامه نماز

نام کتاب: ۱۱۴ نکته از قرآن کریم درباره‌ی زکات
نویسنده: اکبر دهقان
ناشر: ستاد اقامه نماز و احیای زکات
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول - بهار ۸۲
چاپ و صحافی: سجاد
قیمت: ۲۰۰۰ ریال
مراکز پخش:

۱ - تهران - میدان فلسطین

انتشارات ستاد اقامه نماز تلفن ۸۹۰۰۰۵۹

۲ - دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

شایک: X - ۴۹ - ۷۳۰۹ - ۹۶۴

ISBN 964 - 7309 - 49 - X

یکصد و چهارده نکته

از قرآن کریم

در باره‌ی زکات

اکبر دهقان

نام کتاب ... ۱۱۴ نکته از قرآن کریم در باره‌ی زکات
تحقیق و نگارش اکبر دهقان
ناشر ستاد اقامه‌ی نماز
نوبت چاپ اول
تیراژ
قیمت

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۹ | پیشگفتار |
| ۱۳ | فصل اول: اهمیت و ماهیت زکات |
| ۱۵ | اهمیت زکات |
| ۱۷ | زکات در ادیان سابق |
| ۱۹ | فلسفه‌ی تشریح زکات |
| ۲۰ | چه زمانی زکات واجب شد؟ |
| ۲۱ | زکات عامل پاکی و رشد فرد و جامعه |
| ۲۸ | منابع نه‌گانه‌ی زکات |
| ۳۱ | مصارف هشت‌گانه‌ی زکات |
| ۳۸ | مقدم داشتن چند گروه در استفاده از زکات |
| ۴۰ | احیای زکات از وظایف مسئولان نظام اسلامی |
| ۴۲ | زکات دادن در حال نماز |
| ۴۴ | سهولت و آسانی در امر زکات |

- زکات یکی از برنامه‌های دائمی مؤمنان ۴۶
- بیمان شکنی بنی اسرائیل نسبت به پرداخت زکات ۴۹
- زکات: عبادت موقت (زمانمند) ۵۲
- زکات در ردیف ایمان به مبدأ و معاد ۵۳
- پرداختن زکات از اموال طیب و پاکیزه ۵۵
- آشکارا پرداختن زکات ۵۸
- همراه بودن زکات با نماز ۵۸
- زکات نشانه‌ی آیین محکم و استوار ۶۱
- فصل دوم: آثار و فواید زکات** ۶۳
- زکات مایه‌ی رشد دارایی‌ها ۶۵
- زکات مایه‌ی از بین رفتن گناهان ۶۸
- زکات مایه‌ی جلب رحمت خداوند ۶۹
- زکات عامل تزکیه‌ی نفس ۷۱
- زکات عامل طهارت روحی ۷۲
- زکات و مشمول لطف خداوند شدن ۷۳
- زکات مایه‌ی نجات از قتل ۷۴
- زکات عامل تحصیل خشنودی خداوند ۷۶
- زکات همراه با برکت ۷۷

| | | |
|-----|-------|--|
| ۷۸ | | قداست زکات |
| ۸۱ | | زکات پشتوانه‌ی جنگ و جهاد |
| ۸۳ | | پاداش پرداخت‌کنندگان زکات نزد خداوند |
| ۸۴ | | زکات و تجسم عمل |
| ۸۷ | | زکات و اخلاص |
| ۸۷ | | زکات و حفظ عزت مؤمنین |
| ۹۱ | | زکات مایه‌ی شناخت مؤمنان از منافقان |
| ۹۲ | | زکات و برادری |
| ۹۳ | | پرداخت زکات از نشانه‌های نیکوکاران |
| ۹۴ | | پرداخت زکات از نشانه‌های بندگان خدا |
| ۹۵ | | پرداخت زکات یکی از اوصاف ابرار |
| ۹۸ | | زکات؛ راه درمان مرض بخل |
| ۹۹ | | بخل‌ورزی نسبت به پرداخت زکات، نشانه‌ی نفاق |
| ۱۰۱ | | منافقین و عیبجویی از اهل زکات |
| ۱۰۲ | | انفاق به معنای زکات |
| ۱۰۵ | | پشیمانی تارک زکات بعد از مرگ |
| ۱۰۶ | | کیفر تلخ ترک زکات در دنیا و آخرت |
| ۱۱۲ | | زکات فطره |

پیشگفتار

از دیدگاه اسلام زکات یکی از امور بسیار مهم و اساسی است که به افراد دارای ثروت با شرایط ویژه‌ای که در روایات بدان اشاره شده واجب می‌باشد، مانند: بلوغ، عقل، حریت، تمکن از تصرف، به حدّ نصاب رسیدن مال و مالک بودن. بنا بر این زکات بر هر کسی و بر هر مالی تعلق نمی‌گیرد، بلکه تنها بر شخص عاقل و بالغ و انسان آزاد لازم است. علاوه بر آن مال باید به حد نصاب برسد و انسان تمکن از تصرف و بهره‌برداری را داشته باشد و دیگر این که انسان

زکات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. زیرا یکی از ارکان پنج‌گانه‌ی اسلام معرفی شده است. زکات صرف یک عمل اخلاقی و رسیدگی به امور محرومین نیست، بلکه علاوه بر این، عبادتی از عبادات است و پرداخت آن نیاز به قصد قربت دارد تا در درگاه خداوند پذیرفته شود.

زکات مایه‌ی رهایی انسان از مرض بخل، حرص و دنیاپرستی است و عامل رشد و تعالی و تکامل روحی بشر است.

زکات موضوعی نیست که به اختیار افراد واگذار شده باشد که هر طور می‌خواهند خودشان مصرف کنند، بلکه مصارف ویژه‌ای دارد که قرآن کریم در سوره‌ی مبارکه‌ی توبه، آیه‌ی ۶۰ بدان اشاره نموده است.

زکات یکی از نشانه‌های حکومت اسلامی است که وقتی مسئولان نظام، قدرت پیدا نمودند آن را در کنار اقامه‌ی نماز در جامعه احیا می‌کنند و به طور عادلانه زکات را جمع‌آوری و توزیع می‌نمایند.

زکات امری است که گیرنده‌ی حقیقی آن خداوند متعال است. علاوه بر ثواب و پاداشی که در قیامت برای زکات‌دهنده

منظور داشته، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که از پرداخت‌کننده‌ی آن قدردانی نماید.

زکات باعث تأمین نیازهای ضروری محرومین جامعه می‌گردد و در غیر این صورت خداوند مقدار آن را افزایش می‌داد. پرداخت زکات، جامعه‌ی اسلامی را از فساد و گناه‌های می‌بخشد. زکات موجب افزایش رزق و باعث سعادت بشر در دنیا و آخرت می‌گردد.

زکات موضوعی است که ترک آن موجب از بین رفتن چهارپایان و زراعت‌ها و نباریدن باران و قحطی و خشکسالی می‌گردد.

زکات مایه‌ی برکت در زندگی و مانند نماز، عامل قرب و نزدیکی انسان به سوی خداوند متعال است.

در این جا لازم است از روحانی گرانقدر و مخلص و دلسوز جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای محسن قرائتی که چندین سال است در باره‌ی امر زکات در مقاطع مختلف به تبلیغ پرداخته‌اند و در این ارتباط زحمات طاقت‌فرسایی را تحمل ورزیده و مسافرت‌هایی برای این جهت نموده و در محافل مختلف، این مهم را یادآور شده‌اند، تشکر نمایم.

لازم به ذکر است که نکته‌ها بیش از ۱۱۴ تا است ولیکن آنچه که مربوط به زکات از قرآن کریم است، شماره‌گذاری شده است.

حوزه‌ی علمیه‌ی قم

اکبر دهقان

۸۱ / ۱۰ / ۱۰

فصل اول

اهمیت و ماہیت
رکات

اهمیت زکات

۱- موضوع زکات در قرآن کریم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو عدم پرداخت زکات از اوصاف مشرکین به شمار آمده است؛ ﴿وویل للمشرکین الذین لا یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون﴾^(۱). در حقیقت معرّف مشرکان دو امر دانسته شده: الف - ترک زکات ب - انکار معاد.

این آیه در میان مفسران گفتگوهای زیادی را برانگیخته است و در تفسیر آن احتمالات فراوانی داده‌اند. علت اصلی آن، این پرسش است که زکات یکی از فروع دین اسلام است پس چگونه ترک آن دلیل بر کفر و شرک می‌شود؟ بعضی ظاهر آیه را حفظ کرده و گفته‌اند ترک زکات هر چند توأم با انکار و جوب آن نباشد، باز نشانه‌ی کفر است. بعضی دیگر ترک توأم با انکار

را دلیل بر کفر دانسته‌اند؛ چرا که زکات از ضروریات اسلام است و منکر آن کافر می‌باشد.

ظاهراً منظور از زکات، همان مفهوم عام انفاق است و ذکر آن در نشانه‌های شرک به خداوند به دلیل آن است که انفاق‌های مالی در راه خداوند یکی از روشن‌ترین نشانه‌های ایثار و گذشت و عشق به الله است. چرا که مال از محبوب‌ترین امور نزد انسان است و انفاق و ترک انفاق می‌تواند شاخصی برای شرک و ایمان در بسیاری از موارد گردد.

نکته‌ی دیگری که می‌تواند به روشن شدن تفسیر آیه کمک کند، این است که زکات در میان دستورات اسلام وضع خاصی دارد و پرداختن آن، نشانه‌ی به رسمیت شناختن حکومت اسلامی بوده است و ترک آن غالباً نوعی طغیان و سرکشی و قیام بر ضد حکومت اسلامی محسوب می‌شده است.

می‌دانیم قیام بر ضد حکومت اسلامی نشانه‌ی کفر است؛ گواه این سخن مطلبی است که در تاریخ اسلام در باره‌ی (اصحاب رده) گروهی که بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرتد شدند آمده است؛ آن‌ها جمعی از طوایف «بنی طی» و «غطفان» و «بنی اسد» بوده‌اند که از دادن زکات به مأموران

حکومت اسلامی سر باز زدند و به این طریق پرچم مخالفت را بر افراشتند.

در تاریخ آمده است: اهل رده بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: «اما الصلاة فنصلی و اما الزکوة فلا یغصب اموالنا»؛ نماز را می‌خوانیم، اما زکات نه. ما اجازه نخواهیم داد اموال ما غصب گردد.

به دنبال این ماجرا مسلمانان تصمیم گرفتند با این گروه به پیکار برخیزند و آن را دلیل بر ارتدادشان دانستند.^(۱)

زکات در ادیان سابق

۲- از دیدگاه قرآن کریم زکات در ادیان الهی مطرح بوده از جمله:

الف (قرآن کریم وقتی که موضوع امامت و پیشوایی ابراهیم و اسحق و یعقوب را مطرح می‌کند، پرداخت زکات را یکی از کارهای نیک و شایسته معرفی می‌کند که به آنان وحی شده بود؛ ﴿و جعلناهم ائمة یمهدون بأمرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة و کانوا لنا

۱. تفسیر ابوالفتح رازی / ج ۱۰ / ص ۹؛ تفسیر نمونه / ج ۲۰ / ص ۱۵.

عابدین ﴿^(۱)﴾؛ و آن‌ها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم و آن‌ها فقط ما را عبادت می‌کردند.

ب (قرآن کریم در باره‌ی حضرت اسماعیل می‌فرماید: او خانواده‌ی خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد؛ ﴿و کان یأمر اهله بالصلوة و الزکوة﴾. ^(۲)

ج (قرآن کریم در باره‌ی بنی اسرائیل می‌فرماید: ﴿و اذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله ... و اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة﴾ ^(۳)؛ و به یاد آورید زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدای یگانه را پرستش نکنید ... نماز را بر پا دارید و زکات را پرداخت کنید.

د (قرآن کریم در باره‌ی حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: او چنین گفت: خداوند تا مادامی که زنده هستم مرا به نماز و زکات سفارش نموده است؛ ﴿... و أوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیاً﴾. ^(۴)

۲. مریم / ۵۵.

۱. انبیاء / ۷۳.

۴. مریم / ۳۱.

۳. بقره / ۸۳.

فلسفه‌ی تشریح زکات

۳- خداوند متعال در موضوع فیئ و غنایم، سهمی برای مساکین و تهیدستان قرار داده است، این سهم علاوه بر سهام دیگری است که باید به افرادی چون خویشاوندان و یتیمان برسد. جهت آن این است که این اموال عظیم تنها دست به دست میان ثروتمندان نگردد و نیازمندان از آن محروم نشوند؛ ﴿لَکِی لَا دَوْلَةَ بَیْنَ الْاَغْنِیَاءِ مِنْکُمْ﴾^(۱).

بنا بر این فلسفه‌ی تقسیم غنایم بین گروه‌های مختلف از جمله تهیدستان در شریعت اسلام برای آن است که ثروت تنها در یک جا انباشته نگردد. همین فلسفه در پرداختن زکات نیز منظور شده است چنان که از برخی روایات استفاده می‌شود. حضرت کاظم علیه السلام می‌فرماید: «أَمَّا وَضَعَتِ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِیْرًا لِمَوَالِهِمْ»؛ همانا زکات وضع شده از جهت غذا و قوتی برای فقرا و این که اموال آنان فراوان شود.^(۲)

۲. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۴.

۱. حشر / ۷.

چه زمانی زکات واجب شد؟

۴- از آیات مختلف قرآن کریم استفاده می‌شود که حکم وجوب زکات در مکه نازل شده است؛ ﴿... و رحمتی وسعت کلّ شیء فساکتها للذین یتقون و یؤتون الزکوة و الذین هم بایاتنا یؤمنون﴾^(۱) و ﴿هدی و بشری للمؤمنین * الذین یمینون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم یوقنون﴾^(۲) و ﴿هدی و رحمة للمحسنین * الذین یمینون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم یوقنون﴾^(۳) و ﴿... و ویل للمشرکین * الذین لا یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون﴾^(۴)

و مسلمانان موظف به انجام این وظیفه‌ی اسلامی بوده‌اند، ولی هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه آمد و حکومت اسلامی را پی‌ریزی نمود، طبعاً نیاز به تشکیل بیت‌المال پیدا کرد، لذا از طرف خداوند مأموریت یافت تا زکات را شخصاً از مردم بگیرد (نه این که خودشان به میل و نظر خود در مصارف آن صرف کنند)، آیه‌ی شریفه‌ی ﴿خذ من اموالهم صدقة

۲. نمل / ۲-۳.

۱. اعراف / ۱۵۶.

۴. فصلت / ۶-۷.

۳. لقمان / ۳-۴.

﴿...﴾^(۱) در این هنگام نازل شد.

و مشهور این است که در سال دوم هجرت زکات واجب گردید؛ پس مصارف زکات به طور دقیق در آیه‌ی شصت از سوره‌ی توبه بیان گردید. جای تعجب نیست که تشریح اخذ زکات در آیه‌ی ۱۰۳ باشد و ذکر مصارف آن که می‌گویند در سال نهم هجرت نازل شده در آیه‌ی شصت. زیرا آیات قرآن بر طبق تاریخ نزول، جمع آوری نشده، بلکه به فرمان پیامبر ﷺ هر کدام در مورد مناسب خود قرار داده شده است.^(۲)

زکات عامل پاکی و رشد فرد و جامعه

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكهم بها﴾^(۳)؛ از اموال آن‌ها صدقه‌ای (زکات) بگیر تا به وسیله‌ی آن، آن‌ها را پاک سازی و پرورش دهی. در حقیقت این آیه‌ی شریفه به پیامبر اکرم ﷺ خطاب می‌کند که تو آنان را از رذایل اخلاقی و دنیاپرستی پاک می‌کنی و نهال نوع دوستی در آن‌ها ایجاد می‌کنی.

۲. تفسیر نمونه / ج ۸ / ص ۱۰.

۱. توبه / ۱۰۳.

۳. توبه / ۱۰۳.

نکته‌ها

۵- کلمه‌ی «تطهیر» به معنای برطرف کردن چرک و کثافات از چیزی است که بخواهند پاک و صاف شود و آماده نشو و نما گردد و آثار و برکاتش ظاهر گردد و کلمه‌ی «تزکیه» به معنای رشد دادن به همان چیز است، بلکه آن را ترقی داده خیرات و برکات را از آن بروز دهد مانند درخت که با هرس کردن شاخه‌های اضافی آن نموش بهتر و میوه‌اش درشت‌تر می‌شود، پس این که تطهیر و تزکیه را در کنار هم آورده تکرار نخواهد بود.^(۱)

۶- تمام اموال را لازم نیست به مستمندان داد، بلکه قسمتی از اموال را باید به عنوان زکات پرداخت نمود. کلمه‌ی «مِن» دلالت بر تبعیض دارد؛ ﴿مِن اموالهم﴾.^(۲)

۷- کلمه‌ی «سکن» به معنای چیزی است که دل را راحتی و آرامش می‌بخشد و مراد این است که نفوس ایشان به دعای تو سکونت و آرامش می‌یابد و این خود نوعی تشکر از سعی و تلاش ایشان است، همچنان که جمله‌ی ﴿و الله سمیع علیم﴾

۱. تفسیر المیزان ج ۹ ص ۵۹۵. ۲. مجمع البیان ج ۵ ص ۱۰۲.

مایه‌ی آرامشی است که دل‌های مکلفین با شنیدن یا خواندن آن سکونت می‌یابد.^(۱)

۸. این آیه‌ی شریفه متضمن حکم زکات مالی است که خود یکی از ارکان شریعت و ملت اسلام است. هم ظاهر آیه این معنا را می‌رساند و هم روایات زیادی که از طرق امامان اهل بیت علیهم‌السلام و از غیر ایشان آیه را چنین تفسیر کرده‌اند.^(۲)

۹. دعای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم مایه‌ی آرامش انسان است: ﴿صَلِّ عَلَیْهِمْ فَانْصَلَّتْ سَلَاتُكَ سَكَنَ لَهِمْ﴾، هم مایه‌ی آمرزش انسان است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾.^(۳)

۱۰. حاکم اسلامی مسئول گرفتن زکات است؛ حاکم مسلمین می‌تواند زکات را از مردم بگیرد و پرداخت آن موکول به نیت و تصمیم اشخاص نیست که هر گاه میل داشتند بپردازند و هر گاه نخواستند، استنکاف کنند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً﴾.^(۴) این امر خداوند

۱. تفسیر المیزان ج ۹ ص ۵۹۶. ۲. تفسیر المیزان ج ۹ ص ۵۹۶.

۳. نساء: ۶۴؛ تفسیر سوره‌ی توبه آیت الله سبحانی ۲۱۹.

۴. توبه: ۱۰۳.

متعال (خذ) به دلیل این است که پیامبر ﷺ حاکم مسلمین است و فعل امر دلالت بر وجوب گرفتن زکات از ناحیه‌ی ایشان دارد.^(۱)

و از ذکر ﴿و العاملین علیها﴾ در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿أَمَّا الصَّدَقَاتُ...﴾ که از مصارف زکات شمرده شده، استفاده می‌شود که زکات یک واجب فردی و شخصی نیست که موکول به مشیت و اراده‌ی اشخاص باشد، بلکه از ضرایب و مالیات دولت اسلامی است که امام مسلمین متولی اخذ آن است.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «يجبر الامام الناس علی اخذ الزکوة من أموالهم لان الله عز و جل قال خذ من أموالهم صدقة»^(۲)؛ امام مجبور می‌کند مردم را تا زکاتشان را پردازند به دلیل سخن خداوند که می‌فرماید: زکات را از اموال مردم بگیر.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «يجمع امرهم و يحکم بينهم و يأخذ للمظلوم من الظالم حقه و يحفظ اطرافهم ... و يجبی صدقاتهم»^(۳)؛ امام مسلمین باید امور مسلمانان را

۱. تفسیر کبیر / ج ۱۶ / ص ۱۸۲. ۲. بحار الانوار / ج ۹۳ / ص ۸۳.

۳. بحار الانوار / ج ۳۳ / ص ۱۴۴.

سامان ببخشد و در میان مردم حکم کند و حق مظلوم را از ظالم بستاند و امنیت مردم را حفظ کند ... و زکات و صدقات مردم را جمع آوری نماید.

علاوه بر این دستور و حکم اسلامی، سیره‌ی عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در زمان حکومتشان نشان می‌دهد که افرادی را معین می‌کردند و برای گرفتن زکات به مناطق مختلف می‌فرستادند از جمله در حدیثی عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زکوا اموالکم تقبل صلاتکم ثم وجه عمال الصدقة و الطسوق»؛ زکات را بپردازید تا نمازهای شما قبول شود و امام فرمود: سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کارگزاران زکات و خراج را برای جمع آوری آنها روانه ساخت. ^(۱)

۱۱- برخی گفته‌اند: مقصود از صدقه، زکات واجب است و برخی گفته‌اند: منظور از آن صدقات مستحب است، لیکن حق آن است که مراد جمیع صدقات اعم از واجب و مستحب است به قرینه‌ی ﴿من اموالهم﴾ که جمع مضاف است و شامل

جميع اموال می‌شود و تفسیر به زکات یا برخی صدقات به عنوان بیان مصداق است و این امر گرفتن اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ ندارد، بلکه بعد از آن حضرت، در ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز جاری است. چنان که روایات بر آن تصریح دارد.^(۱)

۱۲- پرداخت زکات به وسیله‌ی مالک یا رجوع به حاکم اسلامی؛ مشهور فقها معتقدند که در مصرف زکات رجوع به امام علیه‌السلام و حاکم ضرورتی ندارد و خود مردم می‌توانند آن را به اهل زکات برسانند و در راه‌های تعیین شده هزینه کنند، ولی بهتر است که در زمان حضور امام به ایشان و در زمان غیبت به فقها پرداخت شود.

مرحوم محقق گوید: «للمالك ان يتولى تفریق ما وجب علیه بنفسه و بمن یوكله و الاولى حمل ذلك الی الامام»؛ مالک مجاز است که سرپرستی بخش زکات را خود یا وکیلش بر عهده گیرد، ولی بهتر است به امام سپردازد.^(۲)

بسیاری از فقها به ویژه گذشتگان همین دیدگاه را پذیرفته‌اند. از جمله شیخ طوسی، سید مرتضی، ابن ادریس،

۱. تفسیر اطیب البیان / ج ۶ / ص ۳۰۵.

۲. شرایع الاسلام / ج ۱ / ص ۱۶۴.

صاحب جواهر، مقدس اردبیلی، محقق کرکی، علامه نراقی و... دلیل بر این نظریه، آیات قرآن کریم است که به مسلمانان دستور پرداخت زکات را می‌دهد؛ ﴿اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة﴾. علاوه بر آن احادیثی موجود است که بر مصرف کردن زکات توسط خود افراد دلالت دارد، چنان که امام صادق علیه السلام به یونس بن یعقوب می‌فرماید: «اعطها کیف شئت»^(۱) چه این که سیره‌ی مسلمانان و اجماع علما نیز بر این معنا دلالت دارد.

در برابر این نظریه گروهی از فقها بر این باورند که زکات بودجه‌ای است حکومتی و باید در اختیار امام و حاکم مسلمین قرار گیرد تا بر اساس مصلحت اسلام و مسلمانان به مصرف برسد.

البته بعضی از فقها بین زمان حضور و غیبت فرق گذاشته‌اند با این تفصیل که در زمان حضور باید به امام زکات داده شود و در زمان غیبت مالک می‌تواند خود به مصرف برساند.

مرحوم شیخ مفید بعد از نقل آیهی شریفهی ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً﴾ می‌گوید: «فأمر نبيّه ﷺ باخذ صدقاتهم تطهيراً لهم بها من ذنوبهم ... و الامام قائم مقام النبی فیما فرض علیه من اقامة الحدود و الاحکام ... و جب حملها الى الفقهاء المأمومين ...»^(۱)

امام خمینی رحمته الله پس از بیان این مطلب که خمس حق والی است می‌گوید: «كما انّ امر الزکوات بیده فی عصره يجعل السهام فی مصارفها حسب ما یری من المصالح»؛ همان گونه که امر زکات در هر زمان بر عهدهی حاکم اسلامی است، وی بنا بر مصلحت سنجی مال زکات را در راه تعیین شده هزینه می‌کند.^(۲)

منابع نه گانه‌ی زکات

۱۳- مسأله زکات یک نوع مالیات اسلامی است که خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مسئول گرفتن آن می‌نماید و به او می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً﴾.^(۳)

۲. زکات در اندیشه‌ها / ۲۲۰ - ۲۳۰.

۱. مقنعه / ص ۲۵۲.

۳. توبه / ۱۰۳.

مرحوم طبرسی و مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه‌ی شریفه می‌فرمایند: سرّ این که قرآن کریم نفرمود (من مالهم)، بلکه فرمود ﴿من اموالهم﴾ برای آن است که اشاره کند به این حقیقت که صدقه (زکات واجب) از انواع و اصنافی از مال‌ها گرفته می‌شود و به تعبیر دیگر ﴿من اموالهم﴾ اشاره به متعلقات و منابع نه گانه‌ی زکات دارد که آنها بدین قرار است:

۱ - گندم ۲ - جو ۳ - خرما ۴ - کشمش که این‌ها را «غلات اربعه» گویند.

۵ - گوسفند ۶ - گاو ۷ - شتر که این‌ها را «انعام ثلاثه» نامند.

۸ - طلا ۹ - نقره که از این دو به عنوان «نقدین» یاد می‌شود.^(۱)

در برابر نظر مشهور که زکات به نه چیز تعلق می‌گیرد، نظر دیگری هست مبنی بر این که تعلق زکات منحصر به نه چیز نیست، به دلیل این که علت وجوب زکات، فقرزدایی است و تا فقر هست، باید زکات را از اجناس دیگر نیز داد. آنچه مهم

۱. تفسیر المیزان / ج ۹ / ص ۵۹۵؛ تفسیر مجمع البیان / ج ۵ / ص ۱۰۲.

است ریشه کن ساختن فقر و تهیدستی است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «و لو ان الناس اَدّوا زکاة اموالهم ما بقى مسلم فقيراً محتاجاً»^(۱). علاوه بر آن در ۱۳ روایت، پس از بیان نه مورد زکات مزبور این عبارت دیده می شود: «و عفی رسول الله عما سوى ذلك»؛ از این عبارت روشن می شود که دامنه ی زکات گسترده بوده، ولی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون با دریافت زکات از نه چیز، مشکل فقرا حل می شد، حضرت مابقی اجناس را از پرداخت زکات عفو کردند و این عفو حکومتی تنها برای زمان خاصی است، از این رو بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام برای اسبها زکات تعیین کرد. بنا بر این دست حاکم اسلامی برای کم و زیاد کردن اقلام مشمول زکات باز است.

هر گاه تعداد فقرا زیاد شد، حاکم اسلامی می تواند بر چیزی زکات قرار دهد و اگر مشکل فقرا حل شد می تواند زکات چیزی را حذف کند.

مصارف هشت‌گانه‌ی زکات

قرآن کریم در سوره‌ی توبه، موارد هشت‌گانه‌ی را که زکات به آن تعلق می‌گیرد، چنین بیان می‌کند:

۱ - فقرا ۲ - مساکین ۳ - عاملان (گروهی که برای جمع‌آوری زکات سعی و تلاش می‌کنند). ۴ - مؤلفه قلوبهم (کسانی که انگیزه‌ی معنوی برای پیشبرد اهداف اسلامی ندارند و با تشویق مالی می‌توان تألیف قلب و جلب محبت آنان را نمود مانند کفاری که به خاطر استفاده از همکاری آن‌ها در جهاد از طریق کمک مالی تشویق می‌شوند.

۵ - آزاد ساختن بردگان. ۶ - ادای دین بدهکاران. ۷ - در راه خداوند؛ منظور از آن تمام راه‌هایی است که به گسترش و تقویت آیین الهی منتهی می‌شود. ۸ - ماندگان در راه یعنی مسافرانی که بر اثر علتی در راه مانده‌اند و زاد و توشه‌ی کافی برای رسیدن به وطن خود ندارند؛ ﴿أَمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^(۱).

نکته‌ها

۱۴- بعضی از مفسران و فقها عقیده دارند که ظاهر آیه‌ی ۶۰ از سوره‌ی توبه این است که باید زکات مال به هشت سهم مساوی تقسیم گردد و هر سهم در جای خود صرف شود مگر این که مقدار زکات به قدری ناچیز باشد که نتوان آن را به هشت سهم قابل ملاحظه تقسیم کرد.

ولی اکثریت قاطع فقها بر آنند که اصناف هشت‌گانه‌ی فوق، مواردی است که صرف زکات در آن مجاز است و تقسیم کردن در آن واجب نیست.

سیره‌ی قطعی پیامبر ﷺ و امامان اهل بیت علیهم السلام و یاران آنها نیز این معنا را تأیید می‌کند. علاوه بر آن با توجه به این که زکات یک مالیات اسلامی است و حکومت اسلامی موظف است آن را از مردم وصول کند و هدف از تشریح آن رفع نیازمندی‌های گوناگون جامعه‌ی اسلامی می‌باشد، طبعاً چگونگی مصرف آن در این مصارف هشت‌گانه، بستگی به ضرورت‌های اجتماعی از یک سو و نظر حکومت اسلامی از سوی دیگر دارد.^(۱)

۱۵- مصارف زکات با کلمه‌ی «انما» که دلیل بر انحصار

است آغاز شده و این نشان می‌دهد که بعضی از افراد خودخواه یا بی‌خبر، انتظار داشتند بدون هیچ‌گونه استحقاق سهمی از زکات دریافت دارند که با کلمه‌ی «انما» دست رد به سینه‌ی همه‌ی آن‌ها زده شده است.^(۱)

۱۶- در این احتمال که آیا فقیر و مسکین مفهوم واحدی دارند تنها در میزان تأکید متفاوتند یا در اصل مفهوم مخالف یکدیگر هستند، غالب مفسران احتمال دوم را پذیرفته‌اند. فقیر به معنای کسی است که در زندگی خود کمبود مالی دارد، هر چند مشغول کسب و کار باشد و هرگز از کسی درخواست نکند، اما مسکین کسی است که نیازش شدیدتر است و دستش از کار کوتاه است و به همین جهت از این و آن درخواست می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الفقیر الذی لا یسئل و المسکین الذی هو اجهد منه الذی یسأل».^(۲)

بعضی از مفسران گفته‌اند: فقیر و مسکین هرگاه جداگانه ذکر شدند، فقیر شامل مسکین هم می‌شود و هرگاه باهم ذکر

۲. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۱۴۴.

۱. تفسیر نمونه / ج ۸ / ص ۴.

شدند مانند آیه‌ی شریفه، هر یک معنای خاص خود را دارند؛
«اذا اجتماعا افترقا و اذا افترقا اجتماعا»^(۱)

۱۷- شش گروه فقرا، مساکین، عاملین علیها، مؤلفه قلوبهم، غارمین و ابن سبیل که بدون کلمه‌ی «فی» ذکر شده‌اند یکسان هستند و دو گروه دیگر که ﴿فی الرقاب﴾ و ﴿فی سبیل الله﴾ هستند و با کلمه‌ی «فی» ذکر شده‌اند، وضع خاصی دارند.

شاید تفاوت تعبیر در این جهت باشد که گروه‌های شش گانه می‌توانند مالک زکات شوند و می‌توان زکات را به خود آن‌ها پرداخت، ولی دو گروه دیگر مالک زکات نمی‌شوند، بلکه باید در مورد آن‌ها مصرف گردد.

مثلاً بردگان را باید از طریق زکات خرید و آزاد کرد و همین‌طور ﴿فی سبیل الله﴾؛ از قبیل: هزینه‌ی جهاد، تهیه‌ی اسلحه و یا ساختن مسجد و مراکز دینی و مانند آن‌ها هیچ یک مالک زکات نیستند، بلکه مورد مصرف‌اند.^(۲)

۱۸- گردآوری و تقسیم صدقات (زکات) و تعیین کارگزارانی

۱- تفسیر اطیب البیان ج ۶ ص ۲۵۰.

۲- تفسیر نمونه ج ۸ ص ۱۲.

برای آن از وظایف حکومت اسلامی است؛ ﴿أَمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ ... وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا﴾. گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر اکرم ﷺ صدقات (زکات) را جمع می‌کردند.^(۱)

۱۹- بهره‌گیری از امکانات اقتصادی در جهت جذب قلب‌ها و متمایل ساختن انسان‌ها به اسلام از وظایف حکومت اسلامی است؛ ﴿أَمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ ... وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبِهِمْ﴾ با توجه به این که صدقات (زکات) در اختیار حکومت اسلامی است و خداوند تألیف قلوب را یکی از مصارف زکات قرار داده است، باید مسئولین به وسیله‌ی کمک‌های مالی، افراد ضعیف‌الایمان و یا مخالفان را به حق متمایل سازند.^(۲)

۲۰- به فقیر از زکات به قدری می‌توان کمک کرد تا ثروتمند شود و مستطیع گردد. شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: چقدر از زکات را می‌توان به فقیر داد؟ حضرت فرمود: هر گاه به فقیر از زکات خواستی پرداخت کنی، به اندازه‌ای بده تا او را بی‌نیاز سازی؛ «إِذَا أُعْطِيَ الْفَقِيرُ فَأَغْنَهُ».^(۳)

۱. تفسیر راهنما ج ۷ ص ۱۵۲.

۲. تفسیر راهنما ج ۷ ص ۱۵۳؛ تفسیر نور ج ۵ ص ۹۰.

۳. جامع الاحادیث الشیعة ج ۸ ص ۶۷۱.

در روایت دیگر حضرت فرمودند: از زکات به مؤمن داده می‌شود به اندازه‌ای که از آن بخورد و بیاشامد و لباس تهیه کند و ازدواج کند و حج به جا آورد و صدقه بدهد؛ «و يعطى المؤمن من الزکوة ما يأکل منه و یشرّب و یکتسى و یتزوّج و یحجّ و یتصدّق»^(۱).

۲۱- همه‌ی دارایی‌های انسان از خودش نیست، دیگران هم در آن سهمی دارند و پرداخت کنندگان زکات نباید بر فقیران منت بگذارند. چون سهم زکات ملک خودشان است؛ ﴿انما الصدقات للفقراء...﴾^(۲).

۲۲- کار دارای بها و ارزش است و کارکنان مستحق مزد در برابر کار خویشند؛ ﴿و العاملین علیها﴾. با توجه به این که برای کارگزاران امور صدقات و زکات سهمی قرار داده شده، و این سهم در برابر کار آنان است، چه نیازمند باشند چه بی‌نیاز، سهم آن‌ها را باید پرداخت.^(۳)

۲۳- در دادن زکات به فقرا و مستمندان باید اولویت‌ها را در

۱. جامع الاحادیث الشیعة / ج ۸ / ص ۶۷۱.

۲. تفسیر نور / ج ۵ / ص ۹۰.

۳. تفسیر نور / ج ۵ / ص ۹۰؛ تفسیر راهنما / ج ۷ / ص ۱۵۳.

نظر گرفت. از نظر قرآن کریم برخی از تهیدستان افرادی
 آبرومند و دارای شخصیت هستند؛ از این رو هرگز رغبتی برای
 درخواست کردن ندارند، با آنکه گرفتار کمبود مالی هستند.
 این گروه از فقرا و تهیدستان در راه خداوند گرفتار و
 محاصره شده‌اند و قدرت مسافرت و هجرت را نیز ندارند، و آن
 چنان از شدت عفت ظاهر خویش را حفظ می‌کنند که شخص
 ناآگاه گمان می‌کند این‌ها ثروتمند هستند لذا این گروه را باید
 مقدم داشت؛ ﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا
 يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ
 التَّعْفِفِ﴾ (۱).

۲۴- تقسیم زکات باید بر اساس دستور الهی باشد نه بر
 طبق خواسته‌ی مردم. گرچه مستحق نباشند. از این رو قرآن
 کریم می‌فرماید: بعضی از منافقان هستند که در تقسیم
 (صدقات) به تو عیب می‌گیرند و می‌گویند: عدالت را رعایت
 نکردی، اما در حقیقت این چنین است که آنان به منافع
 خویش می‌نگرند. اگر سهمی به آن‌ها داده شود راضی و

خوشحال می‌شوند (گرچه مستحق نباشند)، اما اگر چیزی از آن به آن‌ها داده نشود خشمگین می‌شوند؛ ﴿و منهم من يلمزك في الصدقات فان اعطوا منها رضوا و ان لم يعطوا اذا هم يسخطون﴾^(۱).

۲۵- منحصر شدن مصارف صدقات (زکات) از سوی خداوند در موارد هشتگانه نشأت گرفته از علم و حکمت خداوند است؛ ﴿انما الصدقات للفقراء ... و الله علم حكيم﴾^(۲).

مقدم داشتن چندگروه در استفاده از زکات

از احادیث اسلامی استفاده می‌شود که چند گروه در استفاده از زکات مقدم هستند و باید آن‌ها را بر دیگران ترجیح داد، و از مجموع روایات استفاده می‌شود کسانی که از نظر عقل و علم و فهم و تدبیر بهره‌ی بیشتری دارند یا این که حیا می‌کنند و خجالت می‌کشند تا سؤال کنند یا این که جزو اقوام و خویشاوندان هستند، این افراد مقدم بر دیگران هستند.

الف) افراد با فضیلت؛ یکی از راویان گوید: از امام

باقر علیه السلام پرسیدم: «آنی رتبا قسمت الشیء بین اصحابی اصلهم به فکیف اعطیهم قال اعطهم علی الهجرة فی الدین و الفقه و العقل»^(۱)؛ یعنی به درستی که من گاهی اموال خود را بین اصحاب و دوستانم تقسیم می‌کنم چگونه به آن‌ها بپردازم؟ امام فرمود: آن‌ها که در هجرت در دین و فقه و عقل، بهره‌ی بیشتری دارند، بر کسانی که به این حدّ برخوردار نیستند، مقدم هستند.

ب) کسی که در تقاضا کردن حیا می‌کند؛ در روایت است که از امام کاظم علیه السلام سؤال شد آیا فقیری که درخواستی نمی‌کند در دادن زکات نسبت به فقیری که نیاز خود را ابراز می‌کند برتری دارد؟ فقال: «نعم یفضل الذی لا یسأل علی الذی یسأل»^(۲)؛ یعنی آری آن کسی که از تقاضا کردن حیا می‌کند فضیلت و برتری دارد بر کسی که درخواستش را ابراز می‌کند.

ج) اقوام و خویشاوندان؛ اسحاق بن عمّار می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم اقوامی دارم که هنگام پرداخت زکات

۱. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۱۸۱.

۲. وسائل الشیعة / ج ۶ / صص ۱۶۹ و ۲۸۱.

نزد من می آیند و من به آن ها کمک می کنم و بعضی از آن ها را بر دیگری ترجیح می دهم، آیا چنین روشی درست است؟ حضرت فرمود: آیا ایشان مستحق زکات هستند؟ گفتم: آری، فرمود: «هم افضل من غیرهم؛ اعطهم»^(۱)؛ یعنی آری آن ها مقدم بر دیگران هستند، زکات را به آن ها عطا کن.

شخصی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: کدام صدقه برتری دارد؟ فقال: «علی ذی الرحم الکاشح»^(۲)؛ فرمود: بر خویشاوندی که در دل نسبت به تو عداوتی دارد.

احیای زکات از وظایف مسئولان نظام اسلامی

یکی از وظایف کسانی که قدرت و حکومت در دست آن هاست، این است که مسئله ی زکات را در جامعه ی اسلامی احیا کنند. قرآن کریم می فرماید: ﴿الذین ان مگناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف﴾^(۳).

۱. وسائل الشیعة / ج ۶ / صص ۱۶۹ و ۲۸۱.

۲. بحار الانوار / ج ۹۶ / ص ۱۵۹. ۳. حج / ۴۱.

نکته‌ها

۲۶- اقامه‌ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف قطعی مسئولان حکومت است و به تعبیر دیگر، مسئولین نظام باید هم به فکر مشکلات اقتصادی مردم و هم به فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی جامعه باشند.^(۱)

۲۷- مرحوم طبرسی می‌فرماید: اگر خداوند از میان همه‌ی عبادات، تنها نماز را و از میان همه‌ی جهات مالی، زکات را نام برده، به دلیل آن است که این دو، در باب خود رکنی عمده و رکن اساسی هستند.^(۲)

۲۸- نکته‌ی جالب این که از نظر قرآن کریم اگر قدرت در دست افراد غیر مؤمن و غیر صالح باشد، جز فساد و بدبختی و ذلت چیزی عاید مسلمانان نمی‌شود؛ ﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾.^(۳)

و اگر قدرت و حکومت در دست افراد مؤمن و صالح باشد فرایض اسلامی زنده می‌گردد و مسلمانان در یک زندگی

۲. مجمع البیان / ج ۷ / ص ۲۳۹.

۱. تفسیر نور / ج ۵ / ص ۵۱.

۳. نمل / ۳۴.

سعادت‌آمیز به سر خواهند برد و فقر و بدبختی از جامعه ریشه کن می‌شود؛ زیرا در پرتو حکومت اسلامی ثروتمندان موظفند زکات اموال خود را به تهیدستان بپردازند؛ ﴿الَّذِينَ ان مَكَّنَاهُمْ ... وَ اتُوا الزَّكَاةَ﴾.

زکات دادن در حال نماز

۲۹- قرآن کریم مسئله‌ی پرداخت زکات را حتی در حال نماز ذکر کرده که دلالت بر اهمیت و ارزش این عمل دارد؛ ﴿أَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يَتَّقُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾^(۱)؛ یعنی سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آوردند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

روایات بسیاری از شیعه و سنی نقل شده که این آیه درباره‌ی حضرت علی علیه السلام نازل شده که در حال رکوع به نیازمندی انگشتر عطا فرمود و نزول این آیه به دلیل اخلاص

و ایثار آن بزرگوار بود.

الف (جریان انگشتر بخشی به سائل را ۱۰ نفر از اصحاب پیامبر ﷺ مانند ابن عباس، عمار یاسر، جابر بن عبدالله، ابوذر، انس بن مالک، بلال و ... نقل کرده‌اند و شیعه و سنی در این باره اتفاق نظر دارند.

ب (پیامبر اکرم ﷺ در غدیر خم برای بیان مقام حضرت علی علیه السلام این آیه‌ی شریفه را تلاوت فرمود و خود حضرت علی علیه السلام نیز برای حقانیت خویش بارها این آیه را خواند.

ج (کلمه‌ی «ولّی» در این آیه به معنای دوست و یاور نیست. چون دوستی و یاری مربوط به همه‌ی مسلمانان است نه آنان که در حال رکوع انفاق می‌کنند.

د (کارهای جزئی مثل انفاق انگشتر، نماز را باطل نمی‌کند. ^(۱)

۳۰- کسانی که اهل نماز و زکات نیستند، حق ولایت بر مردم را ندارند. در جمله‌ی ﴿أَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ﴾ کلمه‌ی «أَمَّا»

نشانه‌ی انحصار ولایت در افراد خاص است.
در فرهنگ قرآن به صدقه مستحبی هم زکات گفته
می‌شود؛ ﴿يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾

سهولت و آسانی در امر زکات

﴿جاهدوا في الله حق جهاده هو اجتبيكم و ما جعل
عليكم في الدين من حرج ... فاقيموا الصلوة و اتوا الزكوة و
اعتصموا بالله ...﴾^(۱)؛ و در راه خدا جهاد کنید چنان که
شایسته‌ی جهاد (هزاره) اوست او شما را بر همه‌ی امتهای
برگزید و در دین (اسلام) هیچ گونه دشواری بر شما قرار نداد.

نکته‌ها

۳۱- احکام دین مبین اسلام از جمله پرداخت زکات، بر
آسانی و سهولت جعل شده به گونه‌ای که بر فطرت پاک بشر
سختی و دشواری وارد نشود، و این امر را در مسئله‌ی زکات به
خوبی می‌توان متوجه شد.

از آنجا که بر افراد مخصوص و بر اشیای خاصی زکات

واجب شده که غالب مردم به دادن زکات مکلف نیستند و علاوه بر آن در تمام نعمت‌های الهی تنها به نه چیز زکات تعلق می‌گیرد. از این رو در ابتدای آیه‌ی شریفه می‌فرماید: در دین بر شما دشواری جعل نشده و بعد دستور به نماز و زکات می‌دهد.

از این رو، شخصی از حضرت صادق علیه السلام در مورد زینت سؤال کرد که آیا متعلق زکات است؟ حضرت فرمود: خیر. همچنین حضرت باقر علیه السلام فرمودند: در آنچه از زمین می‌روید از برنج، ذرت، ارزن، نخود، عدس، حبوبات و میوه‌ها به هیچ یک از این امور زکات تعلق نمی‌گیرد. ^(۱)

۳۲- پرداخت زکات در کنار اقامه‌ی نماز، نشانه‌ی تشکر از نعمت خداوند است که ما را به مسلمانی انتخاب کرد؛ ﴿هو اجتیبکم ... فاقیموا الصلوة و اتوا الزکوة﴾.

و تنها نباید به برگزیده بودن و نام اسلام و مسلمانی تکیه کنیم، بلکه باید با نماز و پرداخت زکات و تمسک به خداوند از این افتخارات پاسداری کنیم. ^(۲)

۱. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۱۰۷؛ جامع احادیث الشیعة / ج ۸ / ص ۱۲۷.

۲. تفسیر نور / ج ۸ / ص ۷۶.

زکات یکی از برنامه‌های دائمی مؤمنان

قرآن کریم برای مؤمنان هفت برنامه‌ی مستمر و دائمی بیان می‌کند: ۱ - خشوع در نماز ۲ - اعراض از لغو و بیهودگی ۳ - پرداخت زکات ۴ - پاکدامنی ۵ - رعایت امانت ۶ - رعایت عهد و پیمان ۷ - محافظت بر نماز؛ ﴿قد افلح المؤمنون ... و الذین هم للزکوة فاعلون﴾^(۱).

نکته‌ها

۳۳- در سوره‌ی توبه و سوره‌ی نمل نیز پرداخت زکات از اوصاف و خصایص برجسته‌ی مؤمنان شمرده شده است:
 (الف) ﴿و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یمونون الصلوة و یؤتون الزکوة﴾^(۲).

(ب) ﴿هدی و بشری للمؤمنین * الذین یمونون الصلوة و یؤتون الزکوة﴾^(۳).

۳۴- در قرآن کریم گروه‌های مختلفی از رستگاران شمرده

۲. توبه / ۷۱.

۱. مؤمنون / ۱-۴.

۳. نمل / ۲-۳.

شده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها پرداخت‌کنندگان زکات هستند:

الف (پرهیزکاران با صفات ویژه؛ ﴿هدی للمتقين ...

اولئك على هدى من ربهم و اولئك هم المفلحون﴾. (۱)

ب (مجاهدان با مال و جان؛ ﴿لكن الرسول و الذين

ءامنوا معه جاهدوا باموالهم و انفسهم اولئك لهم الخيرات و

اولئك هم المفلحون﴾. (۲)

ج (حزب الله؛ ﴿اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم

المفلحون﴾. (۳)

د (اهل ایثار و سخاوت؛ ﴿و من يوق شح نفسه فاولئك

هم المفلحون﴾. (۴)

ه (اهل ذکر کثیر؛ ﴿و اذكروا الله كثيراً لعلکم

تفلحون﴾. (۵)

و (توبه‌کنندگان؛ ﴿توبوا الى الله جميعاً أيها المؤمنون

لعلکم تفلحون﴾. (۶)

ح (پرداخت‌کنندگان زکات؛ ﴿قد افلح المؤمنون ... و

۲. توبه / ۸۸

۱. بقره / ۵

۴. حشر / ۹؛ تغابن / ۱۶

۳. مجادله / ۲۲

۶. تفسیر نور / ۳۱؛ مؤلف

۵. انفال / ۴۵

الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿۱﴾.

انتخاب فعل ماضی «افلح» در مورد رستگاری مؤمنان برای تأکید هر چه بیشتر است؛ یعنی رستگاری آن‌ها آنقدر مسلم است که گویی قبلاً تحقق یافته و ذکر کلمه‌ی «قد» قبل از آن نیز تأکید دیگری برای موضوع است.^(۱)

۳۵- تعبیراتی همچون «خاشعون، معرضون، یحافظون و فاعلون» به صورت فعل مضارع یا اسم فاعل دلالت بر استمرار و دوام این اوصاف دارد.^(۲)

در بسیاری از آیات قرآن از تقوا سخن گفته شده و هدف از احکام دین هم رسیدن به تقواست؛ ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ و آخرین هدف تقوا، رسیدن به فلاح و رستگاری است؛ ﴿و اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.^(۳)

جالب این است که مهم‌ترین و آخرین هدف دین اسلام، در اولین شعار آن بیان شده است؛ «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»؛ به یگانگی خدا ایمان بیاورید و لا اله الا الله بگوئید و به خداوند متعال معتقد شوید تا رستگار گردید.^(۴)

۱. تفسیر نمونه / ج ۱۴ / ص ۲۰۳. ۲. تفسیر نمونه / ج ۱۴ / ص ۲۰۳.

۳. آل عمران / ۱۳۰. ۴. تفسیر نور / ج ۸ / ص ۸۰.

در یازده مورد کلمه‌ی «فلاح» با کلمه‌ی «لعل» همراه است؛ ﴿لعلکم تفلحون﴾، لکن در سه مورد به طور قطعی و حتمی و بدون کلمه‌ی «لعل» بیان شده یکی در سوره‌ی مؤمنون، یکی در سوره‌ی شمس ﴿قد افلح من زکّیها﴾ و دیگری در سوره‌ی اعلیٰ ﴿قد افلح من تزکّی﴾ از مقایسه‌ی این سه مورد با یکدیگر روشن می‌شود که ایمان و تزکیه دارای جوهر واحدی هستند.^(۱)

پیمان شکنی بنی اسرائیل نسبت به پرداخت زکات

۳۶- قرآن کریم در دو آیه از سوره‌ی بقره، به بنی اسرائیل علاوه بر اقامه‌ی نماز، دستور پرداخت زکات نیز می‌دهد و در یک مورد از آنان میثاق و پیمان گرفته که زکات را بپردازند، اما اکثریت آنان پیمان شکنی کردند:

الف) ﴿یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم ... واقیموا الصلوة و اتوا الزکوة و ارکعوا مع الّراکعین﴾.^(۲)
 ب) ﴿و اذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الاّ الله

و بالوالدین احساناً و ذی القربی و الیتامی و المساکین و قولوا للناس حسناً و أقیموا الصلوة و اتوا الزکوة ثم تولّیتم الاّ قليلاً منکم و انتم معرضون ﴿^(۱)﴾؛ و به یاد آرید زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان احسان کنید و با مردم به زبان خوش سخن بگویید و نماز بر پا دارید و زکات بدهید، اما (شما با این که پیمان بسته بودید)، جز عده‌ی کمی سرپیچی کردید و روی گردان شدید.

نکته‌ها

۳۷- از تعبیر به ﴿اتوا الزکوة﴾ نه «زکوا» که هم به عنوان «ایتاء» امر شده و هم به صورت جمع آمده، و آحاد اهل کتاب را در بر دارد، ممکن است استفاده شود که مقصود احیای این واجب اجتماعی و مرتفع ساختن فقر عمومی در سطح جامعه است. ^(۲)

۳۸- مراد از «زکوة» در آیه‌ی شریفه، با توجه به مدنی بودن

آیه و نزول آن پس از تشکیل حکومت اسلامی، همان زکات مالی واجب یا اعم از زکات مالی واجب و مستحب است و چون زکات عملی قریبی و عبادی است، باید با قصد قربت و توجه قلبی و خشوع درونی آن را به جا آورد که تنها در این صورت سبب پیوند میان انسان‌ها می‌شود نه با منت و آزار بعدی؛ «منّ و اذی» که در این حال از تأثیر معنوی آن کاسته می‌گردد.^(۱)

۳۹- علاوه بر پرداخت زکات، احسان به مستمندان و ایتام نیز لازم است. در آیه‌ی شریفه هم موضوع زکات مطرح شده است و هم احسان به مساکین و یتیمان و خویشاوندان.

۴۰- اعتقاد به توحید، احسان به والدین و ایتام و مساکین همراه با دستور پرداخت زکات و برخورد نیکو با مردم و به پا داشتن نماز نشانه‌ی جامعیت اسلام است.

۴۱- ادای حقوق دارای مراتب و مراحل مختلفی است: اول حق خداوند سپس والدین، بعد خویشاوندان، سپس یتیمان که کمبود محبت دارند و آنگاه مساکین که کمبود مادی دارند.^(۲)

۱. تفسیر تسنیم / ج ۱ / ص ۱۱۸. ۲. تفسیر نور / ج ۱ / ص ۱۴۹.

۴۲- دلیل وجوب پرداخت زکات، آن است که نیازمندی‌های ضروری مستمندان در جامعه تأمین و اموال ثروتمندان از نابودی حفظ گردد.

حضرت رضاعلی^(ع) می‌فرماید: «... انّ علیّ الزکوة من اجل قوت الفقراء و تحصين اموال الاغنياء»^(۱)

زکات؛ عبادت موقت (زمانمند)

قرآن کریم وقتی مردان الهی را توصیف می‌کند، می‌فرماید: آنان کسانی هستند که هیچ تجارت و معامله و داد و ستدی آنان را از یاد خداوند و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات سرگرم و مشغول نمی‌سازد؛ ﴿رجال لا تلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوة و ايتاء الزکوة﴾^(۲)

نکته‌ها

۴۳- مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: یک تقابل بسیار زیبا در این آیه مطرح است. چون تجارت یک حرفه و شغل

۱. تفسیر نور الثقلین / ج ۱ / ص ۷۴.

۲. تفسیر نور / ۳۷.

مستمر، و بیع یک حرفه و شغل موقت است، همچنین یاد خدا یک عبادت دائم و مستمر و نماز و پرداخت زکات یک عبادت موقت (زمانمند) است، بنابراین معنای آیه‌ی شریفه این است که مردان الهی کسانی هستند که حرفه و شغل مستمر و موقت آن‌ها را از عبادت دائمی یا موقت خداوند باز نمی‌دارد.^(۱)

۴۴- ترک تجارت ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و برپائی نماز و ادای زکات ارزش است. مردان خدا برای زندگی مادی تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند.^(۲)

۴۵- نماز و زکات عدل یکدیگرند و تاجرانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند.^(۳)

زکات در ردیف ایمان به مبدأ و معاد

۴۶- قرآن کریم به دلیل عظمت موضوع زکات آن را در ردیف ایمان به مبدأ و معاد بیان کرده و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات و بیم داشتن از خداوند و نترسیدن از غیر او را از

۱. تفسیر المیزان / ج ۱۵ / ص ۱۸۰.

۲. تفسیر نور / ج ۸ / ص ۱۸۸. ۳. همان.

جمله اوصاف معماران و متولیان مساجد خداوند دانسته است؛
 ﴿أَمَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ ءَامِنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ إِقَامِ
 الصَّلَاةِ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ
 يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾^(۱)

؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز
 بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته، زکات داده و جز از خدا
 نترسیده‌اند، پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند.

نکته‌ها

۴۷- از این که از میان تمام وظایف شرعی موضوع
 برپاداشتن نماز و پرداخت زکات بیان شده، اهمیت و عظمت
 این دو فریضه‌ی الهی روشن می‌گردد و اگر کسی به این دو
 واجب بی‌اعتنا باشد، حق تعمیر و رسیدگی به امور مساجد را
 ندارد، بنابراین تنها کسانی عهده‌دار امور مساجد خدا هستند که
 دارای پنج وصف باشند: ۱- ایمان به خدا. ۲- ایمان به قیامت.

۳ - بر پا داشتن نماز. ۴ - پرداخت زکات. ۵ - نترسیدن و نداشتن بیم و هراس نداشتن مگر از خداوند متعال.

۴۸- نکته‌ی قابل توجه این است که با وجود ایمان به مبدأ و معاد و اعمال شایسته‌ای مانند نماز و زکات، انسان در زندگی هیچ گاه نباید متکی به خویش باشد، بلکه باید به فضل و هدایت او امیدوار باشد؛ زیرا در هر لحظه خطر انحراف و سقوط وجود دارد؛ ﴿فَعَسَىٰ أَوْلَتْكَٰ ان يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾.

پرداختن زکات از اموال طیب و پاکیزه

یکی از اموری که باید هنگام پرداخت زکات رعایت شود، این است که پرداخت کنندگان زکات، باید از بهترین اموال و از مرغوب‌ترین اجناسی که مورد تعلق زکات است، آن را پردازند. متأسفانه گروهی از مردم از اموال بی‌ارزش و آنچه مورد رغبت و تمایل آن‌ها نیست زکات می‌دهند. قرآن کریم به اهل ایمان دستور می‌دهد که از قسمت‌های طیب و پاکیزه اموال خویش انفاق کنند و زکات بدهند و آنچه را که اگر کسی به خود آن‌ها بدهد دریافت نمی‌کنند (مگر از روی اغماض و چشم‌پوشی) به افراد مستحق پردازند؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

انفقوا من طيبات ما كسبتم ... و لا تميموا الخبيث منه
تنفقون و لستم باخديه الا ان تغمضوا فيه ﴿١﴾

نکته‌ها

۴۹- در حقیقت این آیه‌ی شریفه به نکته‌ی دقیقی اشاره می‌کند و آن این که انفاق و زکات که در راه خدا انجام می‌شود یک طرف آن مستمندان هستند و طرف دیگر خداوند که به خاطر او انفاق و زکات انجام می‌گیرد. در این حال اگر اموال پست و بی‌ارزش انتخاب شود، از یک سو توهین به مقام شامخ پروردگار محسوب می‌شود که او را شایسته‌ی اجناس طیب نشمرده و از سوی دیگر تحقیر نسبت به نیازمندان است.

۵۰- در روایت است که ابو بصیر از تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی فوق از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام سؤال کرد. حضرت فرمودند: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر گاه امر به تزکیه و پرداخت زکات خرما می‌فرمود، گروهی از اقوام می‌آمدند که خرماهای رنگارنگ داشتند و پست‌ترین خرما را به عنوان زکات آورده بودند و خرمایی که به

عنوان زکات می‌دادند به نام «جعرور» و «معافاره» بود که کم‌گوشت و دارای هسته‌ی بزرگ بود و بعضی از مسلمانان هم خرماهای خوب می‌آوردند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مخلوط نکنید این دو خرما را به یکدیگر و چیزی از آن نیاورید و در این رابطه آیه‌ی فوق نازل شد.^(۱)

۵۱- این آیه‌ی شریفه می‌گوید: به هنگام انفاق و (دادن زکات) باید از مال پاکیزه انفاق کنید نه از مال پستی که کسی آن را جز با چشم‌پوشی نمی‌گیرد، زیرا انفاق از اموال بی‌ارزش موجب محبت و کمال نفس نخواهد شد.^(۲)

۵۲- در انفاق و (دادن زکات) تنها از چیزهای ناپاک و پست انفاق نکنید، بلکه فکر آن را هم نکنید و قصد این چنین کاری را هم نداشته باشید؛ ﴿و لا تیمموا﴾.^(۳)

۵۳- وجدان انسان بهترین معیار برای شناخت پسندیده از امور ناپسند است. پس هر آنچه را می‌پسندی و خوش‌داری که به تو انفاق کنند شایسته است همان را انفاق کنی و اگر آن را

۱. فروع کافی / ج ۴ / ص ۴۸. ۲. تفسیر المیزان / ج ۲ / ص ۵۵۱.

۳. تفسیر فتح‌القدیر / ج ۱ / ص ۲۸۹؛ تفسیر نور / ج ۱ / ص ۴۳۰.

دوست نمی‌داری شایسته‌ی انفاق نیست؛ ﴿لَسْتُمْ بِأَخْذِيهِ الْآ
ان تَغْمُضُوا فِيهِ﴾.^(۱)

آشکارا پرداختن زکات

۵۴. قرآن کریم در مورد زکات واجب دستور می‌دهد که اگر
آن را آشکارا و علنی بدهید، بهتر است؛ ﴿ان تَبْدُوا الصَّدَقَاتِ
فَنِعْمًا هِيَ...﴾.^(۲)

شاید به دلیل این باشد که اولاً: مایه‌ی تشویق دیگران به
این فریضه‌ی الهی می‌شود، ثانیاً: رفع تهمت از انسان مسلمان
می‌شود، دیگر مردم نمی‌توانند بگویند فلانی اهل زکات
نیست، البته انسان انفاق مستحبی را به صورت مخفیانه بدهد
بهتر است (چون به اخلاص نزدیک‌تر است).

همراه بودن زکات با نماز

۵۵. در ۲۶ مورد از آیات کریمه‌ی قرآن موضوع زکات
همراه با نماز ذکر شده که در بدو امر ممکن است این سؤال را

۱. تفسیر نور/ ج ۱/ ص ۴۳۰. ۲. بقره/ ۲۷۱.

در ذهن ایجاد کند که چگونه از میان آن همه برنامه‌های عملی، اسلام تنها این دو را مورد تأکید قرار داده است.

علّت آن است که اسلام ابعاد مختلفی دارد که می‌توان آن را در سه بُعد خلاصه کرد: ۱ - رابطه‌ی انسان با خدا. ۲ - رابطه‌ی انسان با خلق خدا. ۳ - رابطه‌ی انسان با خودش. دو برنامه‌ی نماز و زکات به مثابه نمادی است برای ایجاد رابطه‌ی با خدا و خلق خدا. نماز مظهري است برای هر گونه رابطه با خدا. زیرا این رابطه در نماز از هر عمل دیگری بهتر مشخص می‌شود و زکات رمزی است برای پیوند انسان با خلق خدا.

به هر حال ایمان انسان در صورتی ریشه‌دار است که در عمل متجلی شود و انسان را از یک سو به خدا و از سوی دیگر به بندگانش نزدیک می‌کند.

در روایات اسلامی هم موضوع زکات در کنار نماز بیان شده و جالب این که آن قدر این دو عبادت به یکدیگر نزدیک هستند که در برخی از احادیث شرط قبولی و پذیرفته شدن نماز را پرداخت زکات دانسته‌اند.

حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «... من صلی و لم یزک لم یقبل منه صلاته»^(۱)؛ هر کس نماز بگزارد و زکات را ندهد، نماز او قبول نخواهد گردید.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «... ثم ان الزکاة جعلت مع الصلوة قرباناً لاهل الاسلام»^(۲)؛ زکات به همراه نماز به عنوان وسیله‌ی تقرّب اهل اسلام به سوی خداوند قرار داده شده است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد به شخصی فرمود: بلند شو فلانی و به دیگری نیز فرمود: بلند شو فلانی، تا این که پنج نفر شدند، سپس آنها را از مسجد بیرون نمود. فرمود: از مسجد خارج شوید، در مسجد ما دیگر نماز نخوانید. زیرا زکات را پرداخت نمی‌کنید؛ قال الباقر علیه السلام: «بینما رسول الله فی المسجد اذ قال قم یا فلان قم یا فلان ... حتی اخرج خمسة نفر فقال اخرجوا من مسجدنا لاتصلوا فيه و انتم لا تزکون»^(۳).

۱. عیون اخبار الرضا / ص ۲۵۸. ۲. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۷.

۳. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۱۲.

زکات نشانه‌ی آیین محکم و استوار

قرآن کریم نشانه‌ی دین قیم و محکم را اخلاص در دین و اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات می‌داند؛ ﴿و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوة و يؤتوا الزكوة و ذلك دين القيمة﴾^(۱).

در حالی که به آن‌ها دستوری داده نشده بود، مگر این که خداوند را پرستش کنند و با کمال اخلاص نماز را بر پا دارند و زکات را ادا کنند و این است آیین مستقیم و صحیح و پایدار.

نکته‌ها

۵۶- «حنفاء» جمع «حنیف» به معنای متمایل شدن و دور شدن از افراط و تفریط و رو آوردن به حال اعتدال است و خداوند متعال بدین جهت اسلام را دین حنیف قرار داده که مردم را دستور دهد تا در تمامی امور زندگی اعتدال را رعایت کنند.^(۲)

۵۷- جمله‌ی ﴿يقيموا الصلوة و يؤتوا الزكوة﴾ از باب ذکر خاص بعد از عام یا ذکر جزء بعد از کل است که گوینده به

آن مورد خاص عنایت بیشتری دارد و خداوند در این جا بعد از ذکر عبادت، تنها موضوع نماز و زکات را مطرح کرد. چون این دو از ارکان اسلام هستند.

۵۸- جمله‌ی ﴿و ذلك دين القيمة﴾ اشاره به این است که

توحید خالص و نماز و زکات از اصول ثابت و پا بر جای همه‌ی ادیان است، بلکه می‌توان گفت این‌ها در متن فطرت آدمی قرار دارد، بنا بر این دین کامل مجموعه‌ای از اعتقاد سالم و عمل صالح است.^(۱)

عبادت خالص برای خداوند دارای عظمت ویژه‌ای است.

کلمه‌ی «ذلك» که برای اشاره به دور است، به این مطلب اشعار دارد.^(۲)

۱. تفسیر کبیر / ج ۳۲ / ص ۴۸؛ تفسیر نمونه / ج ۲۷ / ص ۲۰۵.

۲. تفسیر روح المعانی / ج ۳۰ / ص ۲۰۴.

فصل دوم

آثار و فواید زکات

زکات؛ مایه رشد دارایی‌ها

۵۹. برخلاف پندار بعضی از مردم که گمان می‌کنند اگر زکات اموال خود را بپردازند در ثروت خود دچار کمبود و نقصان می‌شوند، قرآن کریم می‌فرماید: این چنین نیست، نه تنها از دارایی‌ها کم نمی‌شود، بلکه باعث می‌گردد اموال انسان رشد و نمو طبیعی کند و فراوان شود. چرا که از دیدگاه قرآن کریم، خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات و (زکات) را افزایش می‌دهد؛ ﴿يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ﴾.^(۱)

از آنجا که رباخوار به وسیله‌ی ثروتی که در دست دارد حاصل دسترنج طبقه‌ی زحمتکش را جمع می‌کند و گاه با این وسیله به هستی و زندگی آنان خاتمه می‌دهد و لااقل بذر دشمنی و کینه در دل آنان می‌پاشد به گونه‌ای که آنان تدریجاً

تشنه به خون رباخوار می‌گردند و جان و مالش را در معرض خطر قرار می‌دهند.

در مقابل، کسانی که با عواطف انسانی و دلسوزی در اجتماع گام می‌نهند و از سرمایه و اموالی که تحت اختیار دارند انفاق کرده و زکات اموال خویش را می‌پردازند و در رفع نیازمندی‌های مردم می‌کوشند، با محبت و عواطف مواجه می‌گردند و سرمایه‌ی آن‌ها نه تنها در معرض خطر نیست، بلکه با همکاری عمومی به طور طبیعی رشد می‌نماید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما حبس عبد زکاته فزادت فی ماله»^(۱)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ کسی بر اثر حبس و نگهداشتن زکات، مالش زیاد نشده است.

قرآن کریم می‌فرماید: شما هر چه در راه خدا انفاق کنید، خداوند جای آن را فوراً پر می‌کند؛ ﴿... و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه...﴾^(۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم در این رابطه می‌فرماید: «من ایقن بالخلف سخت نفسه بالنفقة...»^(۳)؛ کسی که جایگزینی را

۱. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۱۴ . ۲. سبأ / ۳۹ .

۳. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۹ .

باور داشته باشد، نفس خود را به انفاق سختی می‌سازد، بعد آیه‌ی ۳۹ از سوره سبأ را تلاوت فرمود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لو ان احدکم اکتسب المال من حله و انفقه فی حله لم ینفق درهماً الا اخلف علیه»^(۱)؛ اگر کسی از شما مال حلالی به دست آورد و در مسیر حلال مصرف کند و انفاق نماید، هیچ درهمی را انفاق نمی‌کند مگر این که خداوند عوضش را به او می‌دهد.

۶۰. با توجه به این حقیقت که انفاق واجب، شامل زکات هم می‌شود، بنا بر این صراحت قرآن و احادیث، این مطلب را به ما خاطر نشان می‌سازد که هر گاه انسان زکات مال خود را بپردازد، فوراً خلأ آن پر می‌شود و هیچ گونه نگرانی باقی نمی‌ماند؛ زیرا خداوند متعال تضمین کرده با مواهب مادی و معنوی خود، چندین برابر و حداقل ده برابر و گاه هزاران برابر به انسان عطا کند.

زکات؛ مایه‌ی از بین رفتن گناهان

۶۱- در قرآن کریم اسباب مختلفی برای از بین رفتن گناهان و تکفیر سیئات بیان شده از جمله:

(الف) توبه؛ ﴿توبوا الى الله توبة نصوحاً عسى ربکم ان یکفر سيئاتکم﴾. (۱)

(ب) پرهیزکاری؛ ﴿ان تتقوا الله يجعل لکم فرقاناً ... و یکفر عنکم سيئاتکم﴾. (۲)

(ج) هجرت و جهاد و شهادت؛ ﴿فالأذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لا کفرنّ عنهم سيئاتهم﴾. (۳)

(د) قرض الحسنه؛ ﴿ان تقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعفه لکم و یغفر لکم﴾. (۴)

(ح) پرهیز از گناهان بزرگ؛ ﴿ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سيئاتکم﴾. (۵)

یکی از عوامل و اسبابی که باعث از بین رفتن گناهان

۲. انفال / ۱۲.

۴. تغابن / ۱۷.

۱. تحریم / ۸.

۳. آل عمران / ۱۹۵.

۵. نساء / ۳۱.

انسان می شود آن است که اگر زکات به اموال او تعلق می گیرد، زکات آن را پرداخت کند؛ ﴿لَنْ اَقْتَمِ الصَّلٰوةَ وَ اَتِيَمَ الزَّكٰوةَ ... لَا كَفَّرَنَّا عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾^(۱).

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «ثم ان الزكوة جعلت مع الصلوة قرباناً لاهل الاسلام. فمن اعطاها طيب النفس بها فانها تجعل له كفارة و من النار حجاباً و وقاية»^(۲)؛ سپس به راستی زکات با نماز وسیله‌ی نزدیکی و قرب برای مسلمانان (به سوی خداوند) قرار داده شده، هر کس آن را با میل و رغبت و خوشدلی عطا کند باعث کفاره‌ی گناهان و از بین رفتن معصیت‌های او می شود، علاوه بر آن مانع و نگهدارنده از آتش جهنم خواهد بود.

زکات؛ مایه‌ی جلب رحمت خداوند

۶۲- از نظر قرآن کریم عوامل مختلفی باعث جلب رحمت

الهی می گردد. مانند:

الف) سکوت و رعایت ادب به هنگام تلاوت قرآن کریم؛

﴿و اذا قرىء القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم
ترحمون﴾^(۱)

ب (اصلاح میان برادران و رعایت تقوا؛ ﴿فاصلحوا بین
اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون﴾^(۲) .

ج (صبر و پایداری در برابر مصائب؛ ﴿و بشر الصابرين
... اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة﴾^(۳) .

از جمله اموری که باعث می شود تا انسان مشمول لطف و
رحمت خاصی خداوند قرار گیرد، پرداختن زکات است؛ ﴿و
رحمتی وسعت کلّ شیء فساکتها للذین یتقون و یؤتون
الزکوة و الذین هم بسایاتنا یوقنون﴾^(۴)؛ گرچه
رحمت خداوند بسیار گسترده و وسیع است که همه‌ی
موجودات را شامل می شود، اما از آیه‌ی فوق استفاده می شود
که رحمت خاصه و لطف ویژه‌ی خداوند، بهره‌ی کسانی است که
علاوه بر پرهیزکاری، زکات اموال خود را نیز بپردازند.

۲. حجرات / ۱۰ .

۱. اعراف / ۲۰۴ .

۴. اعراف / ۱۵۶ .

۳. بقره / ۱۵۵ .

زکات؛ عامل تزکیه‌ی نفس

۶۳- از نظر قرآن کریم هدف از بعثت انبیا علاوه بر تعلیم کتاب و حکمت، تزکیه‌ی نفوس انسان‌ها بوده است که این حقیقت در چهار آیه از قرآن کریم بیان شده است؛ ﴿یَرْکَبُهَا وَ یَعْلَمُهَا الْکِتَابُ وَ الْحِکْمَةُ﴾^(۱).

یکی از عواملی که باعث تزکیه‌ی نفس و عامل رشد و ترقی و تکامل روحی بشر می‌گردد، پرداخت زکات است. زیرا در پرتو زکات هم روح سخاوت و ایثار در انسان زنده می‌شود و هم کمک و خدمتی به محرومین جامعه می‌گردد؛ از این رو قرآن کریم به پیامبر دستور می‌دهد که زکات را از مردم بگیرد تا بدین وسیله مردم رشد و کمال پیدا کنند؛ ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تَزَكِّيهِمْ بِهَا﴾^(۲).

۶۴- اگر کسی در مسیر تزکیه‌ی نفس از جمله پرداختن زکات در صورتی که به اموال او زکات تعلق گیرد. قدم برداشت به سود خویش کار کرده است؛ قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ﴾^(۳).

۱. بقره / ۱۲۹؛ بقره / ۱۵۱؛ آل عمران / ۱۶۴؛ جمعه / ۲.

۳. فاطر / ۱۸.

۲. توبه / ۱۰۳.

البته به این حقیقت باید توجه داشت که توفیقات انسان در مسیر تزکیه‌ی نفس در پرتو فضل و لطف خداوند است؛

﴿و لولا فضل الله ما زکی منکم من احد ابداً﴾. (۱)

زکات؛ عامل طهارت روحی

۶۵- از نظر قرآن کریم احکام اسلامی به منظور تطهیر روح بشر از رذایل اخلاقی و نفسانی است؛ مانند احکام سه گانه (غسل، وضو و تیمم)، گرچه به وسیله‌ی این امور انسان طهارت ظاهری و بدنی پیدا می‌کند و می‌تواند نماز بخواند که در حدیث وارده شده: «لا صلوة الا بطهور»، اما فراتر از این طهارت ظاهری، انسان طهارت روحی و معنوی پیدا می‌کند. هنگامی که انسان به وسیله‌ی خاک تیمم می‌کند، روح او از مرض کبر و غرور پاک می‌گردد. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: ﴿یا ایها الذین ءامنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهکم ... فلم تجدوا ماء فتیمموا صعيداً طیباً ... و لکن یرید لیطهرکم﴾. (۲)

عامل دیگر برای تحصیل طهارت معنوی، عفت نفس و رعایت حریم ناموس دیگران است که قرآن کریم به مردم زمان پیامبر ﷺ می‌فرماید: هر گاه خواستید از زنان پیامبر متاعی را درخواست کنید، از پشت پرده باشد، زیرا مایه‌ی طهارت قلب شما و آنهاست؛ ﴿وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ﴾ (۱).

یکی از عوامل طهارت روح بشر پرداختن زکات است که انسان از مرض بخل و دنیادوستی و حرص بر جمع مال پاک و پاکیزه می‌گردد؛ ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (۲).

زکات و مشمول لطف خداوند شدن

۶۶- از نظر قرآن کریم گروه‌های خاصی مشمول لطف خداوند هستند که به خاطر اوصاف و افعال پسندیده‌ای که دارند خداوند به آنان عنایتی ویژه دارد؛ از جمله آن‌ها کسانی

هستند که زکات اموال خویش را می‌پردازند. در آیات ذیل برخی از گروه‌های مشمول لطف الهی ذکر شده‌اند:

الف (نیکوکاران؛ ﴿انَّ اللّٰهَ مَعَ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا وَ الَّذِیْنَ هُمْ مَحْسِنُونَ﴾. ^(۱)

ب (پرهیزکاران؛ ﴿وَ اعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِیْنَ﴾. ^(۲)

ج (صابران؛ ﴿انَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِیْنَ﴾. ^(۳)

د (پرداخت کنندگان زکات؛ ﴿اِنِّیْ مَعَكُمْ لَئِنْ اَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَ اَتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَ ءَامَنْتُمْ بِرَسٰلِیْ﴾. ^(۴)

زکات؛ مایه‌ی نجات از قتل

۶۷- از آنجا که از نظر اسلام بت‌پرستی باید ریشه کن شود. از این رو قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد با شدت و خشونت با مشرکان برخورد کنند و با در نظر گرفتن شرایط محیط و زمان و مکان و اشخاص مورد نظر یکی از چهار امر را انتخاب کنند: کشتن، اسیر کردن، محاصره کردن و بستن راه‌ها؛ ﴿فَاِذَا انسَلَخَ الْاَشْهُرَ الْحَرَمَ فَاَقْتُلُوا الْمُشْرِكِیْنَ حَیْثُ

۲. بقره / ۱۹۴.

۱. نحل / ۱۲۸.

۴. مائده / ۱۲.

۳. بقره / ۱۵۲.

وجدتموهم و خذوهم واحصرهم واقعدوا لهم كل مرصد ﴿١﴾.

لکن این شدت خشونت نه به مفهوم آن است که راه بازگشت به روی آن‌ها بسته شده باشد. از این رو هر لحظه که بخواهند، می‌توانند جهت خود را تغییر دهند به همین علت بلافاصله می‌فرماید: اگر آن‌ها توبه کنند و نماز را بر پا دارند و زکات را ادا کنند، آن‌ها را رها سازید و مزاحمشان نشوید؛ ﴿فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة فخلوا سبيلهم﴾.

از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که برای قبولی توبه‌ی بت‌پرستان، اقامه‌ی نماز و ادای زکات نیز لازم است و به همین دلیل بعضی فقهای اهل سنت ترک نماز و زکات را دلیل بر کفر گرفته‌اند.

ولی حق این است که منظور از ذکر این دو دستور بزرگ اسلامی آن است که در تمام مواردی که ادعای اسلام‌گرایی مشکوک به نظر می‌رسد همان گونه که در مورد بت‌پرستان آن روز غالباً چنین بود، انجام این دو وظیفه‌ی بزرگ اسلامی را به عنوان نشانه‌ای برای اثبات گرایش آنها به اسلام قرار

دهند... (۱)

زکات؛ عامل تحصیل خشنودی خداوند

قرآن کریم وقتی سفارش حضرت اسماعیل علیه السلام به خانواده‌اش را در باره‌ی نماز و زکات مطرح می‌کند، می‌فرماید:

﴿وكان يأمر أهله بالصلاة والزكاة وكان عند ربه مرضياً﴾ (۲)

نکته‌ها

۶۸ یکی از عوامل مهم و اساسی در تحصیل رضایت الهی، توجه به نماز و زکات است و اگر کسی رضایت حق را جلب کرد، به فوز عظیم و به رستگاری بزرگ دست یافته است. قرآن کریم بعد از آن که نعمت جاویدان بهشت را برای بندگان خاص خدا بیان می‌کند می‌فرماید: ﴿رضی اللہ عنہم و رضوا عنہ ذلک الفوز العظیم﴾ (۳)

۶۹ در نخستین مرحله برای تبلیغ احکام الهی باید انسان

۱. تفسیر نمونه / ج ۷ / ص ۲۹۴ - ۲۹۵.

۲. مانده / ۱۱۹.

۳. مریم / ۵۵.

از خانواده‌ی خویش شروع کند که از همه به انسان نزدیک‌تر می‌باشند. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخست دعوت خویش را از اقوام خود شروع فرمود؛ ﴿و انذر عشیرتک الاقربین﴾.^(۱)

۷۰- توصیه به نماز و زکات باید امری مستمر و دائمی باشد و انسان در برابر این دو فریضه‌ی الهی مسئولیت دارد و باید همیشه خانواده‌ی خویش را سفارش به نماز و زکات نماید.^(۲)

زکات همراه با برکت

۷۱- زکات از نظر قرآن کریم همراه و ملازم با خیر و برکت در زندگی انسان خواهد بود؛ به دلیل این که واژه‌ی «زکات» با تمام مشتقاتش ۳۲ بار در قرآن کریم مطرح شده است. همان گونه که واژه‌ی برکت با تمام مشتقات آن نیز ۳۲ بار تکرار شده است و این نشانه‌ی آن است که زکات مساوی با برکت است.

۷۲- حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما آدی احد الزکاة فنقصت من ماله و لا منعها احد فزادت فی ماله»^(۳)؛

هیچ فردی را نمی‌یابید که زکات مالش را پرداخت کرده و

۱. شعراء / ۲۱۴؛ تفسیر نمونه / ج ۱۳ / ص ۹۶.

۲. تفسیر نور / ج ۷ / ص ۲۸۴ ۳. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۱۲.

دچار کمبود در مال و ثروت شده باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اذا اردت ان یثری الله مالک فزکّه»^(۱)؛ هرگاه خواستی اموال تو افزون شود پس زکات آن را پرداخت کن.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «الزکوة تزيد فی الرزق»^(۲)؛ زکات روزی را فراوان می کند.

قداست زکات

۷۳- از نظر قرآن کریم مسئله‌ی زکات بسیار دارای اهمیت و قداست است بطوری که خداوند متعال خودش آن را اخذ می کند و هیچ واسطه‌ای در بین نیست و نسبت به کمتر موضوعی به این اندازه توجه و عنایت شده است؛ ﴿الم يعلموا ان الله هو یقبل التوبة عن عباده و یأخذ الصدقات و ان الله هو التواب الرحیم﴾؛ آیا ندانستند که تنها خداوند از بندگان توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد و این که خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

نکته‌ها

۷۴- پذیرش توبه گنه‌کاران از سوی خداوند در گرو اقدام‌های عملی آنان برای نشان دادن صداقت خود است و پرداخت زکات لازمی توبه‌ی واقعی است و به تعبیر دیگر توبه تنها پشیمانی قلبی نیست، بلکه به دنبال آن اصلاح و عمل لازم است.^(۱)

۷۵- امام صادق علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که به تحقیق صدقه (زکات) در دست عبد قرار نمی‌گیرد مگر این که قبلاً در دست خدا قرار گیرد و این سخن خداست که فرمود:
 ﴿هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ﴾.^(۲)

۷۶- گیرنده‌ی واقعی و حقیقی زکات خداوند است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عامل و مأمور وصول زکات است. از این رو در آیه به عنوان تشویق می‌فرماید: مگر نمی‌دانید که این صدقات را خداوند می‌گیرد، و گرفتن پیامبر گرفتن خداست، پس در حقیقت گیرنده‌ی آن خود خداست.

نظیر این مطلب در داستان بیعت آمده است قرآن کریم

۱. تفسیر نور / ج ۵ / ص . ۲. تفسیر عیاشی / ج ۲ / ص ۱۰۸.

خطاب به پیامبر می‌فرماید: کسانی که با تو بیعت کنند، در حقیقت با خدا بیعت کرده‌اند؛ ﴿ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله﴾ (۱).

چه این که هر کس از پیامبر ﷺ اطاعت کند در حقیقت خدا را اطاعت کرده است؛ ﴿من یطع الرسول فقد اطاع الله﴾ (۲).

۷۷- اگر توبه را با دادن صدقه ذکر کرده برای این بوده که صدقه نیز خاصیت توبه را دارد. توبه پاک می‌کند، صدقه هم پاک می‌کند و دادن صدقه توبه‌ای است مالی همچنان که در میانه همه‌ی کارها توبه به منزله‌ی صدقه است؛ یعنی صدقه از اعمال است. (۳)

تنها خداوند توبه را می‌پذیرد و این امر پذیرفتن توبه حتی به پیامبر اکرم واگذار نشده است. (۴)

۱. فتح / ۱۰۰.

۲. نساء / ۸۰؛ تفسیر المیزان / ج ۹ / ص ۵۹۶؛ تفسیر کبیر / ج ۱۶ / ص ۱۹۱.

۳. تفسیر المیزان / ج ۹ / ص ۵۹۷. ۴. تفسیر کبیر / ج ۱۶ / ص ۱۹۰.

زکات؛ پشتوانه‌ی جنگ و جهاد

﴿الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم و اقيموا الصلوة و اتوا الزكوة فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم يخشون الناس كخشية الله او اشدّ خشية...﴾^(۱)؛ آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد فعلاً دست از جهاد بردارید و نماز را بر پا کنید و زکات بپردازید (اما آنها از این دستور ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان از مردم می‌ترسیدند به میزانی که از خدا می‌ترسیدند، یا بیش از آن در دل هراس داشتند.

نکته‌ها

۷۸- مسلماً هر گونه جهادی بدون آمادگی‌های روحی و جسمی افراد و بدون پیوندهای محکم اجتماعی محکوم به شکست خواهد بود.

مسلمانان در پرتو نماز و نیایش با خدا ایمان خود را محکم و روحیه‌ی خویش را پرورش می‌دهند همچنین در پرتو زکات شکاف‌های اجتماعی پر می‌گردد و با این پشتوانه اقتصادی

تهیه‌ی نفرات آزموده و ابزار جنگی میسر می‌گردد به طوری که مسلمانان هنگام صدور فرمان جهاد آمادگی کافی برای مبارزه با دشمن را خواهند داشت.^(۱)

۷۹- می‌دانیم که قانون زکات در مدینه نازل شد و در مکه زکات بر مسلمانان واجب نشده بود با این حال چگونه می‌تواند آیه‌ی فوق اشاره به وضع مسلمانان در مکه بوده باشد.

مرحوم شیخ طوسی می‌گوید: منظور از زکات در آیه‌ی فوق (زکات مستحب) بوده که در مکه وجود داشته است؛ یعنی قرآن مسلمانان را (حتی در مکه) تشویق به کمک‌های مالی به مستمندان می‌نمود.^(۲)

۸۰- خودسازی مقدم بر جامعه‌سازی است. آن که اهل نماز و زکات نباشد، اهل اخلاص و ایثار هم نخواهد بود و نماز مقدم بر زکات است، هر جا نامی از این دو برده شده، اول نام نماز است.^(۳)

۱. تفسیر نمونه / ج ۴ / ص ۱۶.

۲. تفسیر تبیان / ج ۳ / ص ۲۶۱؛ تفسیر نمونه / ج ۴ / ص ۱۶.

۳. تفسیر نور / ج ۲ / ص ۳۳۳.

پاداش پرداخت کنندگان زکات نزد خداوند

قرآن کریم می‌فرماید: کسانی که دارای ایمان و عمل صالح باشند، علاوه بر آن نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند، اجر و مزد آنان نزد پروردگار است و در قیامت هیچ نوع ترس و اندوهی برای آنها نخواهد بود؛ ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوَا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾.^(۱)

نکته‌ها

۸۱- ذکر نماز و زکات بعد از عمل صالح نشانه‌ی آن است که در میان کارهای شایسته حساب این دو جداست و این دو از بهترین نمونه‌های عمل صالح هستند.^(۲)

۸۲- کسانی که دارای عمل صالح بوده و اهل نماز و پرداخت زکات هستند از منزلت ویژه‌ای برخوردارند. ظاهراً اضافه «رب» به ضمیر، تشریفیه است چنانچه اَلْوَسَى گویند: در

۱. بقره / ۲۷۷.

۲. تفسیر راهنما / ج ۲ / ص ۲۷۶؛ تفسیر نور / ج ۱ / ص ۴۷۷.

تعبیر ﴿عند ربهم﴾ افزونی لطف و شرافت به چشم می خورد.^(۱)

۸۳. امنیت و آرامش واقعی در سایه‌ی ایمان و عمل صالح و پیوند با خدا (نماز) و پیوند با مردم (زکات) به وجود می آید؛ ﴿لا خوف علیهم و لا هم یحزنون﴾.

زکات و تجسم عمل

از دیدگاه قرآن کریم همه‌ی اعمال ما چه خوب، چه بد در روز قیامت مجسم می شود و انسان نتیجه و ثمره‌ی آن را می بیند؛ ﴿و وجدوا ما عملوا حاضراً﴾^(۲) و ﴿یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً﴾.^(۳)

یکی از عباداتی که در قیامت مجسم می شود و نتیجه‌ی آن به انسان می رسد، پرداخت زکات است. قرآن کریم می فرماید: ﴿و اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند اللّٰه ان اللّٰه بما تعملون بصیر﴾^(۴)؛ یعنی نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و آنچه

۱. تفسیر راهنما / ج ۲ / ص ۲۷۵ . ۲. کهف / ۴۹ .

۳. آل عمران / ۳۰ . ۴. بقره / ۱۱۰ .

را که از عمل خیر انجام می‌دهید و مقدم می‌دارید، در نزد خدا در عالم قیامت می‌یابید به راستی که خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است.

نکته‌ها

۸۴- قرآن کریم در غالب مواردی که مسأله‌ی اقامه‌ی نماز را مطرح می‌کند، مسأله‌ی پرداخت زکات را نیز خاطر نشان می‌سازد، و به آن دستور می‌دهد؛ به دلیل این که این دو دستور سازنده است؛ اولی مؤثر در اصلاح حال فرد و دومی مؤثر در حال جامعه.^(۱)

تذکر: البته این معنا منافاتی با آن ندارد که نماز در عین تأثیر در حال فرد، مؤثر در اصلاح حال جامعه نیز باشد؛ چنان که پرداخت زکات همان گونه که مؤثر در اصلاح حال جامعه است، مؤثر در اصلاح حال فرد نیز می‌باشد به نحوی که فرد را از مال دوستی‌رهایی می‌بخشد.

۸۵- کار خیری که انسان انجام می‌دهد نفع و سودش

نصیب خود او می شود (لانفسکم)، این کار نزد خداوند محفوظ است؛ (عندالله) و نتیجه‌ی عمل خیر به انسان می رسد (تجدوه) و اعمال انسان در قیامت مجسم می شود.^(۱)

۸۶- این آیه‌ی شریفه با آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی مزمل از نظر معنا هماهنگ است، منتها آن آیه‌ی شریفه یک ذیلی دارد و آن این که آنچه شما تقدیم خداوند می کنید، اجر و پاداش آن بزرگ تر است؛ ﴿و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خيراً و اعظم اجرا﴾.

۸۷- مقدار کمک مهم نیست هر کس هر مقدار می تواند باید کمک کند (من خیر) اعمال انسان قبل از خود انسان وارد عرصه‌ی ارزیابی قیامت می شود (تقدموا).^(۲)

۸۸- خداوند نسبت به تمام اعمال انسان چه خیر و چه شرّ آگاه است. زیرا ﴿بما تعملون﴾ مطلق است و مقید به خیر یا شرّ نشده است، پس این آیه‌ی شریفه هم دلالت بر تشویق در انجام کار خیر دارد و هم از کار شرّ انسان را برحذر می دارد.^(۳)

۱. تفسیر مجمع البیان / ج ۱ / ص ۳۵۵.

۲. تفسیر نور / ج ۱ / ص ۲۳۰. ۳. تفسیر روح البیان / ج ۱ / ص ۲۰۴.

زکات و اخلاص

۸۹- قرآن کریم عملی را که از روی اخلاص انجام شود، قابل پذیرش در نزد خداوند می‌داند؛ یعنی تنها رضایت و خشنودی خداوند محور کار و عمل می‌باشد، از این رو گاهی از آن تعبیر به ﴿فی سبیل الله﴾ می‌کند و گاهی تعبیر به ﴿فی مرضات الله﴾ می‌نماید و گاهی تعبیر به ﴿تریدون وجه الله﴾ و تعبیرهای مختلف دیگر: ﴿... و ما ایتیم من زکوة تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون﴾^(۱)؛ ... و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را در آن می‌طلبید، بدانید کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداشی مضاعف می‌باشند.

زکات و حفظ عزت مؤمنین

۹۰- دین مبین اسلام، اهمیت فوق العاده‌ای برای حفظ عزت و عظمت مؤمنین قائل شده، به درجه‌ای که هیچ گونه ذلت و توهین را برای مسلمانان روا ندانسته و اجازه نمی‌دهد

در برابر مسائل مادی و دنیوی، ارزش‌های معنوی و روحی خود را تنزل دهند و برای رفع نیاز مادی هر گونه سؤال و درخواست را مذمت می‌نماید. قرآن می‌فرماید: همان طوری که خداوند و پیامبر خدا عزیز هستند، مؤمنین هم عزیز می‌باشند: ﴿... و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین...﴾^(۱)

در روایت داریم شخصی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و درخواست مسائل مادی نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برو کار کن حتی اگر مجبور شوی باری را روی سر خود بگذاری و به این طرف و آن طرف ببری پس به این وسیله ارتزاق کن و از مردم بی‌نیاز شو؛ «فاحمل علی رأسك و استغن عن الناس»^(۲).

از این رو در موضوع زکات بسیار سفارش شده که پرداخت کننده‌ی زکات باید به نحوی زکات بدهد که گیرنده هیچ نوع احساس ذلت در خود نکند.

الف) عن اسحق بن عمار قال: قال لی ابو عبدالله: «یا اسحق کیف تصنع بزکاة مالک اذا حضرت؟» قلت: یا تونی الی المنزل فاعطیهم فقال لی: «ما اراک یا اسحق الا قد

ذَلَّتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ آيَاكَ آيَاكَ أَنْ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ مِنْ أَذَلِّ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرَصَدَنِي بِالْمَحَارَبَةِ»^(۱)؛ اسحاق بن عمار می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: زکات خود را چگونه می‌پردازی؟ گفتم: مردم به منزل من می‌آیند در آن هنگام به آن‌ها زکات مال خود را می‌دهم. امام فرمود: این کار تو جز این که مؤمنین را ذلیل کند چیز دیگری نیست و از این کار بپرهیز؛ چون خداوند می‌فرماید: هر کس دوست مرا ذلیل کند، با من اعلام جنگ کرده است.

(ب) قال: قلت لابي جعفر عليه السلام من اصحابنا يستحي ان يأخذ من الزكاة فاعطيه من الزكاة و لا اسمى له انها من الزكاة. فقال: «اعطه و لا تسم له و لا تذلل المؤمن»^(۲)؛ ابی بصیر می‌گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: یکی از اصحاب من خجالت می‌کشد از این که زکات بگیرد و از آن استفاده کند، از این رو من وقتی آن مال و زکات را به او می‌دهم، نمی‌گویم که آن مربوط به زکات است. امام علیه السلام فرمود: همین کار را بکن و به او عطا کن و مبادا اسم ببری که این مال از سهم زکات است

۱. بحار الانوار / ج ۹۶ / ص ۷۷. ۲. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۲۱۹.

و مبدا مؤمن را به خاطر این عمل ذلیل کنی.

(ج) عن یونس بن یعقوب قلت لابی عبدالله علیه السلام: عیال المسلمین اعطیهم من الزکاة فاشتری لهم منها ثياباً و طعاماً و اری انّ ذلك خیر لهم قال: «لا بأس»^(۱)؛ یونس بن یعقوب می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم من به عیال مسلمین از زکات می پردازم، اما بدین گونه که برای آنها از زکات لباس و غذا می خرم و این کار را بهتر می دانم (کنایه از این که با این کار آبروی آنها حفظ می شود). امام فرمود: این عمل تو هیچ اشکالی ندارد.

(د) قال ابو عبدالله علیه السلام: «لا یعطى احد اقل من خمسة دراهم من الزکاة»^(۲)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: به کمتر از پنج درهم به فردی زکات داده نشود (یعنی احترام افراد باید حفظ شود و حداقل مالی که به اشخاص داده می شود (در آن زمان)، به میزان پنج درهم ارزش داشته باشد).

۱. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۱۱۵ . ۲. بحار الانوار / ج ۹۶ / ص ۷۹ .

زکات؛ مایه‌ی شناخت مؤمنان از منافقان

۹۱- قرآن کریم وقتی صفات مؤمنین و منافقین را بیان می‌کند، صفات و ویژگی‌های این دو گروه را به صورت متقابل ذکر می‌کند. به تعبیر دیگر عباداتی را ذکر می‌کند که مؤمنین به راستی و درستی انجام می‌دهند، اما منافقین انجام نمی‌دهند و به این وسیله می‌توان مؤمنین را از منافقین شناخت. مثلاً می‌فرماید: مؤمنین امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را اقامه می‌کنند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسول را اطاعت می‌کنند.

اما در باره‌ی منافقین می‌فرماید: آن‌ها امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند و در مورد انفاق و زکات، دست‌هایشان را می‌بندند (کنایه از این که نمی‌پردازند) و خدا را فراموش می‌کنند؛ ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾^(۱) و ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

المعروف و یقبضون ایدیهم نسوا الله فنسیهم... ﴿(۱)﴾.

زکات و برادری

۹۲- از نظر قرآن کریم تمام مؤمنان با یکدیگر برادر هستند؛ ﴿أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ أَخَوَةٌ﴾^(۲). در جای دیگر می‌فرماید: هرگاه مخالفان شما توبه کنند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند، آن‌ها هم در جامعه برادر دینی شما هستند؛ ﴿فَان تَابُوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة فاخوانکم فی الدین﴾^(۳)، بنا بر این شرط برادر شدن در کنار توبه و نماز، پرداخت زکات است و این امری بسیار بدیهی است که آنچه سبب ایجاد دوستی یا تعمیق، حفظ و توسعه‌ی آن می‌شود، خوش نیتی، خوش رفتاری، انصاف، کرم، ایثار، سخاوت و احسان به یکدیگر می‌باشد و در پرداخت زکات همه‌ی آثار یاد شده به روشنی نهفته است.^(۴)

۲. حجرات / ۹.

۱. توبه / ۶۷.

۳. توبه / ۱۱.

۴. زکات / حجة الاسلام قرائتی / ص ۴۸.

پرداخت زکات از نشانه‌های نیکوکاران

۹۳- قرآن کریم یکی از اوصاف برجسته‌ی نیکوکاران را علاوه بر اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت معرفی می‌کند؛ ﴿تلك آيات الكتاب الحكيم * هدى و رحمة للمحسنين * الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و هم بالاخرة هم يوقنون﴾^(۱)؛ این آیات کتاب حکیم است که مایه‌ی هدایت و رحمت برای نیکوکاران است همان‌ها که نماز را بر پا می‌دارند و زکات را پرداخت می‌کنند و به آخرت یقین دارند.

از دیدگاه قرآن کریم اگر کسی جزو نیکوکاران شد، اجر او ضایع نمی‌شود و مشمول لطف و محبت خداوند متعال واقع می‌شود و به رحمت الهی نزدیک می‌گردد. به آیات ذیل توجه کنید:

الف) ﴿انَّ اللّٰهَ لَا يَضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾.^(۲)

ب) ﴿انَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾.^(۳)

ج) ﴿وَاللّٰهُ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ﴾.^(۴)

۲. هود / ۱۱۵.

۴. آل عمران / ۱۳۴.

۱. لقمان / ۲-۴.

۳. عنکبوت / ۶۹.

(د) ﴿إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱).

پرداخت زکات از نشانه‌های بندگان خدا

۹۴- از نظر قرآن کریم بندگان واقعی خدا نشانه‌هایی دارند

از جمله:

(الف) شکر؛ ﴿وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾^(۲).

(ب) سجده؛ ﴿وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ

تَعْبُدُونَ﴾^(۳).

(ج) صبر؛ ﴿فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ﴾^(۴).

(د) بر پا داشتن نماز. ه) پرداختن زکات.

خداوند متعال در قرآن کریم بعد از آن که می‌فرماید ما

انجام کارهای نیک از جمله بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات

را به ابراهیم، یعقوب و اسحاق وحی کردیم، می‌فرماید: این‌ها

بندگان ما بودند؛ ﴿... وَ اَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ اِقَامَ

الصَّلَاةَ وَ آتَاءَ الزَّكَاةَ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾^(۵).

۲. بقره / ۱۷۲.

۴. مریم / ۶۵.

۱. اعراف / ۵۶.

۳. نحل / ۱۱۴.

۵. انبیاء / ۷۳.

نکته‌ها

۹۵- از جمله‌ی ﴿کانوا لنا عابدین﴾ استفاده می‌شود که از جمله نشانه‌های بندگان حقیقی خدا که استمرار در عبادت و بندگی دارند موضوع بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات به محرومین است و بدون این دو فریضه‌ی الهی انسان به مقام و مرتبه‌ی بندگی و عبودیت نائل نخواهد شد. تعبیر به «کانوا» دلالت بر استمرار دارد.^(۱)

۹۶- با این که فعل خیرات شامل پرداخت زکات هم می‌شود، اما در عین حال پرداخت زکات را جداگانه بیان کرد و این بدان جهت است که عطف خاص بر عام مفید اهمیت است.^(۲)

پرداخت زکات یکی از اوصاف ابرار

قرآن کریم گاهی که ابرار و نیکان را معرفی می‌کند، علاوه بر اوصاف اعتقادی مانند ایمان به خدا و قیامت و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران، یکی از اوصاف عملی آنان را پرداخت زکات می‌داند؛ ﴿ولکن البرّ من ءامن بالله و الیوم الآخر ...

۱. تفسیر تفسیر نمونه / ج ۱۳ / ص ۴۵۶؛ تفسیر نور / ج ۷ / ص ۴۷۷.

۲. تفسیر نمونه / ج ۱۳ / ص ۴۵۶.

و اتی المال علی حبّه ... و اقام الصلوة و اتی الزکوة و
الموفون بعهدهم اذا عاهدوا ﴿۱﴾.

در جای دیگر می‌فرماید: هرگز به مقام ابرار و نیکان
نمی‌رسید مگر این که آنچه را دوست دارید در راه خداوند انفاق
کنید: ﴿لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون﴾. ﴿۲﴾

نکته‌ها

۹۷- نکته‌ی جالب این که «بِرّ» در اصل به معنای توسعه
است سپس در معنای نیکی‌ها و خوبی‌ها به کار رفته است. زیرا
این کارها به وجود انسان محدود نمی‌شود و گسترش می‌یابد و
به دیگران می‌رسد و آنها نیز بهره‌مند می‌شوند. بِرّ به والدین
نیز به معنای توسعه‌ی احسان به آنهاست. ﴿۳﴾

نکته‌ی دیگر این که قرآن کریم یکی از نشانه‌های ابرار را
در سوره‌ی بقره آیه ۱۸۹، تقوا و پرهیزکاری بیان می‌کند:
﴿ولکن البرّ من اتق﴾ و در پایان آیه‌ی ۱۷۷ سوره‌ی بقره،
در اوصاف ابرار می‌فرماید: ﴿اولئک هم المتّقون﴾ و اگر انسان

۲. آل عمران / ۹۲.

۱. بقره / ۱۷۷.

۳. مفردات راغب؛ تفسیر نمونه / ج ۱ / ص ۵۹۷.

پرهیزکار شد و به مقام ابرار رسید، در قیامت از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شود. از این رو خداوند پاداش متقین و ابرار را نعمت‌های خویش بیان می‌کند؛ ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَعِيمٍ﴾^(۱) و ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ﴾^(۲).

۹۸- بسیاری از افراد هستند که در پاره‌ای از موارد حاضرند به مستمندان کمک کنند، اما در ادای حقوق واجب مانند زکات سهل‌انگارند و به عکس گروهی غیر از ادای حقوق واجب به هیچ‌گونه کمک دیگری تن در نمی‌دهند. آیه‌ی شریفه با ذکر انفاق مستحب و ایثارگری از یک سو و ادای حقوق واجب از سوی دیگر این هر دو گروه را از شمول نیکوکاران واقعی خارج می‌سازد پس نیکوکار واقعی کسی است که در هر دو میدان انجام وظیفه کند.

۹۹- جالب این که در مورد انفاق‌های مستحب کلمه‌ی «علی حبه» (با این که ثروت محبوب آن‌هاست) را ذکر می‌کند، ولی در مورد زکات واجب نه. زیرا ادای حقوق واجب مالی یک وظیفه‌ی الهی و اجتماعی است و اصولاً نیازمندان طبق منطق اسلام در اموال ثروتمندان به نسبت معینی شریکند. پرداختن

مال شریک، نیازی به این تعبیر ندارد.

زکات؛ راه درمان مرض بخل

۱۰۰- از دیدگاه قرآن کریم یکی از امراض روحی بخل است که در دوران جان بشر حضور دارد؛ ﴿وَأَحْضَرْتُ الْأَنْفُسَ الشَّحَّ﴾^(۱) و راه درمان این مرض اخلاقی آن است که انسان در راه خدا حقوق واجب و مستحب را بپردازد و زکات مال خود را بدهد، که در دو مورد قرآن کریم می‌فرماید: هر کس مرض بخل را در خود نگهدارد، به فلاح و رستگاری نائل می‌شود؛ ﴿وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۲). در لغت به آن بخل شدید «شح» اطلاق می‌شود و نگهداری «شح» کنایه از انفاق کردن است که عامل رستگاری می‌گردد.

۱۰۱- امام صادق علیه السلام از شب تا صبح طواف خانه‌ی خدا را به جا می‌آورد و پیوسته می‌فرمود: خداوندا مرا از بخل نفس خودم نگهداری فرما؛ «اللَّهُمَّ قِنِي شَحْحَ نَفْسِي».

یکی از یارانش عرض کرد: فدایت شوم! امشب نشنیدم

غیر از این دعا، دعای دیگری بنمایی. فرمود: چه چیز مهم‌تر از مرض بخل و حرص در وجود انسان است در حالی که خداوند می‌فرماید: ﴿و من یوق شح نفسه ...﴾^(۱).

در حدیث دیگری حضرت می‌فرماید: کسی که زکات اموال خود را پردازد، از مرض بخل حفظ شده است؛ «من ادى الزکاة ... فقد وقى من الشح»^(۲).

بخل‌ورزی نسبت به پرداخت زکات، نشانه‌ی نفاق

﴿و منهم من عاهد الله لئن اتانا من فضله لنصدقنّ و لنكوننّ من الصالحین * فلما اتاهم من فضله بخلوا به و تولّوا و هم معرضون﴾^(۳)؛ و برخی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود، پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید بدان بخل ورزیدند و (به پیمان) پشت کرده و روی گردان شدند.

۱. تفسیر نور الثقلین / ج ۵ / ص ۳۴۶.

۲. جامع الاحادیث الشیعة / ج ۹ / ص ۴۸.

۳. توبه / ۷۵ - ۷۶.

نکته‌ها

۱۰۲- ثعلبه بن خطاب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقاضا کرد تا برای او دعا کند که خداوند او را ثروتمند نماید. حضرت فرمودند: مال اندکی که شکرش را ادا کنی بهتر از مال زیادی است که از عهده‌ی شکرش برنیایی. ثعلبه گفت: اگر خداوند عطا کند همه‌ی حقوق واجب آن را خواهم داد. به دعای آن حضرت ثروت او زیاد شد تا آنجا که دیگر نتوانست در نماز جمعه شرکت کند.

وقتی مأمور زکات نزد او رفت، گفت ما مسلمان شدیم تا جزیه ندهیم و زکات اموال خود را نداد، اینجا بود که آیات فوق در نکوهش از پیمان شکنی او نازل شد.

۱۰۳- دل‌بستگی به دنیا انسان را بدفرجام می‌کند. کسی که از ادای زکات بخل ورزد کم‌کم از دین روی گردان می‌شود؛ ﴿بخلوا... و هم معرضون﴾.^(۱)

۱۰۴- تمام ملکات فاضله و رذیله با تکرار اعمالی در انسان پدید می‌آید. هیچ فردی از انسان این ملکات را از شکم مادر به همراه خود نمی‌آورد. مثلاً ملکه عدالت با تکرار اعمالی که بر

اثر تقوا و پرهیزکاری باشد در انسان پدید می‌آید. یکی از ملکات رذیله، صفت نفاق است و این وصف نکوهیده نفاق در اثر پیمان شکنی مکرر و بخل نمودن از پرداخت زکات واجب در انسان به صورت ملکه در می‌آید. جمله‌ی ﴿فَاعْتَبِهِمْ نَفَاقاً فِي قُلُوبِهِمُ الٰی یَوْمَ یَلْقَوْنَهُ﴾ در آیه‌ی بعد اشاره به همین مطلب دارد.^(۱)

منافقین و عیجوبی از اهل زکات

۱۰۵- قرآن کریم اوصاف فراوانی را برای منافقین بیان می‌کند، یکی از آن صفات این است که از اهل زکات عیجوبی می‌کنند و کار آنها را به مسخره می‌گیرند. (اما مسلمانان آگاه و روشن ضمیر از عیجوبی و توبیخ آنها نمی‌هراسند و وظیفهٔ اسلام خویش را انجام می‌دهند). ﴿الذین یلمزون المطوعین من المؤمنین فی الصدقات...﴾^(۲)

قرآن در همین سورهٔ توبه می‌فرماید: همین گروه منافقی که تو را نسبت به زکات و صدقات، طعنه می‌زنند اگر به آنها مقداری زکات بدهی از تو راضی می‌شوند و اگر ندهی ناراحت

۱. اطیب البیان / ج ۶ / ص ۲۷۴؛ تفسیر سوره‌ی توبه / آیت‌الله سبحانی / ص ۱۹۰.

۲. توبه / ۷۹.

و متأثر می‌گردند. ﴿و منهم من یلمزک فی الصدقات فان اعطوا منها رضوا و ان لم یعطوا منها اذاهم یسخطون﴾^(۱)

انفاق به معنای زکات

از نظر قرآن کریم انفاق گرچه معنای عام و وسیعی دارد و در بسیاری از موارد به معنای کمک مالی مستحب استعمال می‌گردد و هرگاه در عرف مردم این واژه استعمال شود، از آن معنای انفاق واجب اراده نمی‌شود، لکن از دیدگاه قرآن کریم گاهی این واژه در معنای زکات واجب به کار رفته است مانند آیه‌ی شریفه‌ی ﴿و الذین یکزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل اللّٰه فبشرهم بعذاب الیم * یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکزون﴾^(۲)؛ و آن‌ها که طلا و نقره را «گنجینه» ذخیره و پنهان می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند به مجازات دردناک بشارت بده. در آن روز که آن‌ها را در آتش جهنم گرم و سوزان کرده و با آن صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند (و به آن‌ها می‌گویند)

که این همان چیز است که برای خود گنجینه ساختید، پس بچشید چیزی را که برای خود اندوختید.

نکته‌ها

۱۰۶- این آیه‌ی شریفه قطعاً مربوط به زکات واجب است. به این دلیل که ترک انفاق مستحب موجب بشارت عذاب به انسان نمی‌شود چنان که در آیه‌ی دیگری نیز انفاق در معنای زکات واجب اطلاق شده است؛ زیرا به تارک زکات واجب، کافر و ظالم اطلاق می‌شود نه به کسی که انفاق مستحب را ترک کند؛ چنان که در آیه‌ی ذیل مشاهده می‌شود: ﴿انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یأتی یوم لا بیع فیہ و لا خلّة و لا شفاعة و الکافرون هم الظالمون﴾^(۱).

مرحوم طبرسی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ﴿و الذین یکفزون الذهب...﴾ می‌فرماید: مقصود کسانی هستند که اموالی را جمع می‌کنند و زکات آن را نمی‌پردازند.^(۲)

۱۰۷- شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که هر مالی که زکات آن را بپردازد، کنز نیست؛ «کل مال أدیت

زکاته فلیس بکنز»^(۱).

بعضی از دانشمندان طبق نقل مرحوم طبرسی در مجمع البیان در باره‌ی «ذهب و فضة» تعبیر جالبی دارند و گفته‌اند جهت این که به طلا «ذهب» گفته می‌شود برای این است که به زودی از دست می‌رود و بقایبی ندارد؛ ماده‌ی «ذهاب» در لغت به معنای رفتن است.

و این که به نقره «فضة» گفته می‌شود به دلیل آن است که به زودی پراکنده و متفرق می‌شود؛ «انفضاض» در لغت به معنای پراکندگی است.^(۲)

۱۰۸- بعید نیست علت این که از میانه‌ی همه‌ی اعضا، پیشانی و پشت و پهلو را نام برده این باشد که این‌ها در برابر پول خضوع می‌کرده و آن را سجده می‌کردند و سجده با پیشانی صورت می‌گیرد و پول را پشت و پناه و مایه‌ی دلگرمی خود می‌دانستند و پناهنده شدن با پهلو انجام می‌گیرد و بر آن تکیه می‌کردند و اتکا با پشت صورت می‌گیرد.^(۳)

۱۰۹- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کسی درهم و دینار یا طلا

۱. تفسیر المنار / ج ۱۰ / ص ۴۰۴؛ تفسیر مجمع البیان / ج ۵ / ص ۴۰.

۲. تفسیر مجمع البیان / ج ۵ / ص ۳۹.

۳. تفسیر المیزان / ج ۹ / ص ۳۸۶.

و نقره‌ای را ذخیره کند، بدون این که برای طلبکار کنار بگذارد و آن را در راه خدا انفاق نکند، این مال کنز است و در قیامت به وسیله‌ی آن به آن شخص داغ زده می‌شود.^(۱)

۱۱۰- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از جمله گناهان کبیره، منع زکات است و بعد به آیه‌ی شریفه‌ی ﴿یوم یحیی علیها فی نار جهنم﴾ استناد فرمودند.^(۲)

پشیمانی تارک زکات بعد از مرگ

۱۱۱- کافران در آستانه مرگ تقاضا می‌کنند که آنها را برگردانند تا در آنچه ترک گفته‌اند عمل صالح انجام دهند ﴿حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلیّ اعمل صالحاً فی ترکت﴾ برخی گفته‌اند منظور از (ماترکت) اموالی است که از آنها به یادگار می‌ماند حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده شاهد بر این معناست. آنجا که فرمود: «من منع قیراطاً من الزکوة فلیس بمؤمن ولا مسلم و هو قوله تعالی (رب ارجعون...) کسی که قیراطی از زکات را ندهد نه مؤمن است و نه مسلمان و سخن خداوند (رب ارجعون...)»

۲. نور الثقلین / ج ۲ / ص ۲۱۴.

۱. در المنثور / ج ۴ / ص ۱۸۱.

همین را می‌گوید. (۱)

البته روشن است که سخن امام علیه السلام به عنوان بیان مصداق است و الا آیه شریفه عمومیت دارد و شامل سایر اعمال صالحی را که ترک کرده می‌شود.

کیفر تلخ ترک زکات در دنیا و آخرت

بی‌اعتنایی به این فریضه‌ی الهی و ترک آن، آثار تلخ و سنگینی در دنیا و آخرت برای انسان دارد.

قرآن کریم برای ترک زکات، عقوبت و پیامد سختی را در آخرت قرار داده است؛ ﴿و لا یحسبنّ الذّین ینخلون بما اتیمهم اللّٰه من فضله هو خیراً لهم بل هو شرّ لهم سیطوون ما بخلوا به یوم القیامة و لله میراث السموات و الارض و اللّٰه بما تعملون خبیر﴾^(۲)؛ آن‌ها که بخل می‌ورزند و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند برای آن‌ها خیر است، بلکه برای آن‌ها شرّ است. به زودی در قیامت آنچه را در باره‌ی آنان بخل ورزیده‌اند، همانند طوقی به گردن آن‌ها می‌افکنند و میراث آسمان‌ها و زمین از آن

خداست و خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۱۱۲- از جمله‌ی ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ﴾، استفاده می‌شود: اموالی که حقوق واجب آن پرداخت نشده و اجتماع از آن بهره‌ای نگرفته است و تنها در مسیر هوس‌های فردی و گاهی مصارف جنون‌آمیز به کار گرفته شده و یا بی‌دلیل روی هم انباشته گردیده و هیچ کس از آن استفاده نکرده، همانند سایر اعمال زشت انسان در روز قیامت طبق قانون (تجسم اعمال) تجسم می‌یابد و به صورت وسیله‌ی عذاب دردناکی نمود می‌یابد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «الَّذِي يَمْنَعُ الزَّكَاةَ يَحْوُلُ اللَّهُ مَالَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شِجَاعاً مِنْ نَارٍ لَهُ رِيْمَتَانِ فَيُطَوَّقُهُ أَيَّاهُ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ الزَّمْهُ كَمَا لَزِمَكَ فِي الدُّنْيَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا»^(۱)؛ هر کس زکات مال خود را نپردازد، روز قیامت خدا آن مال را به صورت ماری بزرگ از آتش مبدل کرده و طوق گردن او می‌سازد، سپس به او گفته می‌شود همان گونه که در دنیا به هیچ قیمت این اموال را از خود دور نمی‌کردی، اکنون آن‌ها را بردار و از خویشتن دور ساز.

۱۱۳- از نظر قرآن کریم، اعمال خوب و بد در زندگی مادی و طبیعی ما اثر دارد، انجام فرایض الهی و به تعبیر دیگر تقوا و پرهیزکاری موجب برکت و فراوانی نعمت می‌شود و هر گاه مردم از امور معنوی دور باشند و از یاد خدا اعراض کنند، در زندگی طبیعی دچار مشکلات و گرفتاری‌های فراوان می‌شوند.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿و لو ان اهل القرى ءامنوا و اتقوا لفتحنا عليهم برکات من السماء و الارض ...﴾^(۱)؛ اگر اهل آبادی‌ها ایمان به خداوند آورده و به تقوا گرائیده بودند قطعاً (درهای) برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می‌گشودیم.

در نقطه‌ی مقابل، قرآن می‌فرماید: ﴿و من اعرض عن ذکرى فان له معیشة ضنکاً ...﴾^(۲)؛ هر کس از یاد من اعراض کند، در زندگی سختی قرار خواهد گرفت.

در سخنان پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام آثار و پیامدهای مختلفی برای ترک زکات در دنیا نیز آمده که به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

الف) نیامدن باران

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «... و لا منعوا الزکاة إلا حبس عنهم القطر»^(۱)؛ هیچ گروهی زکات را منع نکرد جز آن که خداوند باران رحمت را از آنها برداشته و ممنوع می دارد.

ب) قحطی و خشکسالی

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «لا تزال امتی بخیر ما تحابوا و تهادوا و ادوا الامانة و اجتنبوا الحرام و قروا الضیف و اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنین»^(۲)؛ امت اسلام پیوسته در خیر و خوبی هستند مادامی که با یکدیگر محبت ورزند و به همدیگر هدیه بدهند و امانت را به صاحبش ادا نمایند و از حرام بپرهیزند و مهمان پذیر باشند و نماز به پای دارند و زکات بدهند و چون این تکالیف را انجام ندهند، به قحطی و خشکسالی گرفتار می شوند.

ج) از بین رفتن چارپایان و حیوانات

امام رضا علیه السلام می فرماید: «... اذا حُبست الزکاة ماتت المواشی»^(۳)؛ هرگاه زکات داده نشود، چارپایان می میرند.

۱. بحار الانوار / ج ۷۳ / ص ۳۷۰. ۲. بحار الانوار / ج ۹۶ / ص ۱۴.

۳. بحار الانوار / ج ۷۳ / ص ۳۷۳.

(د) از بین رفتن برکت از زمین

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «اذا منعت الزکاة منعت الارض برکاتها»^(۱)؛ هنگامی که زکات داده نشود، زمین برکات خود را می گیرد.

(ه) قبول نشدن سایر اعمال

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «خطب رسول الله صلی الله علیه و آله خطبة الوداع قال فی خطبته: ایها الناس ادوا زکاة اموالکم الا فمن لم یزک فلا صلاة له و لا دین له و لا صوم له و لا حج له و لا جهاد له»^(۲)؛ رسول خدا در خطبه‌ی وداع فرمود: ای مردم! زکات مال خود را بدهید، هر کس زکات ندهد، نماز و دین و روزه و حج و جهاد برای او نیست (از او پذیرفته نمی شود).

(و) مصرف شدن اموال در طریق باطل

امام صادق علیه السلام می فرماید: «من منع حقاً لله عزوجل انفق فی باطل مثلیه»^(۳)؛ هر کس حق خدا را نپردازد،

۱. فروع کافی / ج ۳ / ص ۵۰۵.

۲. روضة الواعظین نیشابوری / ج ۲ / ص ۳۵۶.

۳. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۲۵.

در طریق باطل اموال خویش را دو برابر مصرف می‌کند.

❁ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من منع ماله من الاخيار اختياراً صرف الله ماله الى الاشرار اضطراراً»^(۱)؛ هر کس مال خود را از خوبان جامعه دریغ ورزد و از روی اختیار به آن‌ها ندهد، مجبور می‌شود اموال خود را در راه اشرار و بدان جامعه مصرف کند.

❁ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «و اعلم انه من لم ينفق في طاعة الله ابتلى بان ينفق في معصية الله عز و جل و من لم يمش في حاجة ولت الله ابتلى بان يمشي في حاجة عدو الله عز و جل»^(۲).

بدان! هر کس در مسیر طاعت الهی انفاق نکند، مبتلا به آن می‌شود که در مسیر معصیت خدا آن را انفاق کند، و هر کس در طریق برآوردن حاجت دوست خود گام بر ندارد گرفتار این معنای شود که در راه برآوردن حاجت دشمن خدا، قدم بر دارد.

۱. بحارالانوار / ج ۹۶ / ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

۲. بحارالانوار / ج ۹۶ / ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

زکات فطره

۱۱۴- زکات بر دو قسم است: زکات مال و زکات بدن. زکات بدن را زکات فطره می‌نامند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾؛ مسلماً رستگار شد کسی که خود را تزکیه کرد. در این که مقصود از تزکیه چیست تفاسیر مختلفی شده‌است: الف) پاک‌سازی روح از شرک.

ب) پاک‌سازی دل از رذایل اخلاقی و انجام اعمال صالح. ج) زکات فطره در روز عید فطر است که نخست باید زکات را پرداخت و بعد نماز عید را به جا آورد، چنان که در روایات متعددی از امام صادق علیه السلام این معنا نقل شده است. (۱)
از امام کاظم علیه السلام پرسیدند از زکات فطره که آیا مشمول آیه‌ی شریفه‌ی ﴿اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة﴾ هست؟ حضرت پاسخ مثبت فرمودند؛

انه سئل عن صدقة الفطرة اهي مما قال الله تعالى اقيموا الصلوة و اتوا الزکوة؟ فقال: «نعم». (۲)

الحمد لله رب العالمين

پایان